

مقام معظم رهبری:
انقلاب پرچم عدالت و آزادی و استقلال و عزت است. انقلاب
پرچم اسلام است.

صندوق پستی: ۶۵۶۱-۱۵۸۷۵
تلفن تماس: ۸۸۸۲۵۶۹۶
۸۸۸۴۵۳۳۵

- «دهه مبارکه فجر»، «روز فناوری فضایی»، «روز نیروی هوایی» - کلام بزرگان
- «قیام مردم تبریز» و «سالروز مماسه مردم آمل» - ریاضت اقتصادی
- گرامی باد. - اخبار ویژه
- مطبوعات و پایگاه‌های خبری -

۱۴۹

بهمین ۹۲

امام راحل (ه):
آقایان دست به دست هم بدهند، همه اقشار با هم
اتحاد پیدا بکنند، دشمن شما از اختلاف شما نتیجه
می‌گیرد.

۱.....	آغاز سخن
۶.....	کلام بزرگان
۱۱.....	مناسبت‌های ماه
۱۲.....	مصائب ریاضت اقتصادی
۱۸.....	امپریالیسم نفتی
۲۲.....	نفرین منابع
۳۴.....	عرفان‌های نوظهور
۳۶.....	زکام سیاسی
۳۹.....	گفت و گوی «کری» و «ملک عبدالله»
۴۶.....	صورتجلسه کانون حزب تمدن اسلامی
۴۷.....	اخبار ویژه
۵۰.....	مطبوعات
۵۴.....	پایگاه‌های خبری

جهت کمک مالی به حزب تمدن اسلامی شماره حساب ۱۲۴۳۴۴۲۶۳
بانک تجارت شعبه خردمند شمالی (کد ۰۲۰) اعلام می‌گردد.

به خواست خداوند و به مناسبت هفته وحدت اسلامی در سالروز میلاد حضرت رسول اکرم (ص) و حضرت امام جعفر صادق (ع) مجمع جهانی تقریب اسلامی بیست و هفتمین کنفرانس بین المللی خود را از تاریخ ۱۵ تا ۱۷ ربیع الاول سال ۱۴۳۵ برابر با ۱۷ تا ۱۹ ژانویه سال ۲۰۱۴ میلادی با حضور اعضای مجمع عمومی مجمع جهانی تقریب اسلامی و صدها شخصیت مذهبی و فرهیختگان از جمهوری اسلامی و سایر کشورها برگزار نمود.

این کنفرانس که به موضوع قران عظیم و نقش آن در توحید امت اسلامی اختصاص یافت.

توصیه‌های زیر را نیز گوشزد نمودند:

۱- شرکت‌کنندگان در کنفرانس با توجه به مسلمات قران کریم و سنت شریف پیامبر اکرم تأکید داشتند که اسلام گرد هم آورنده اهل قبله است و گواه آن شهادتین است که حافظ خون گوینده این دو مطلب است همچنین براین عقیده هستند که تقریب مذاهب اسلامی گام مهمی در جهت تحقیق وحدت امت در تمام زمینه هاست و مذاهب اسلامی که به ارکان دین مبین اسلام و اصول ایمان دارند هیچ مطلب معلومی از دین را منکر نیستند و پیروان دین مبین اسلام در جمع امت اسلامی واحد را تشکیل می‌دهند و خون آنها یاریکدیگر است و کمترین آنها مورد توجه تمام آنهاست و نسبت به دیگران دست واحدی را تشکیل می‌دهند و برای تحقق اهداف والای اسلامی با هم همکاری میکنند و اختلاف سیاسی میان آنها نباید باعث بروز اختلافات عقیده ای و تاریخی و فقهی آنها شود و برانگیختن هرگونه فتنه مذهبی و نژادی به نفع دشمنان امت اسلام و تحقق بخش توطئه‌های فریبکارانه دشمنان ملت است و موجب تقویت دسیسه اشغال سرزمین‌ها از سوی آنان می‌گردد و ضروری است با هر وسیله‌ای با آنان مقاومت کرد.

۲- شرکت‌کنندگان در این کنفرانس هرگونه تجاوز صهیونیستی علیه ملت شکیبا و مبارز ما که در فلسطین حضور دارد محکوم می‌نماید. خصوصاً آنچه که مربوط به تخریب مسجد الاقصی و منازل مردم شهر بیت المقدس و یهودی کردن آن از طریق تغییر بافت جمعیتی آن در فلسطین و محاصره کردن ملت بزرگ

بسمه تعالی

آغاز سخن

در بخش آغاز سخن شماره قبلی «نامه» به مناسبت هفته وحدت (۱۲ الی ۱۷ ربیع‌الاول) که با ولادت با سعادت حضرت رسول خدا (ص) تقارن دارد بطور اجمالی مبحث «وحدت» تقدیم گردید. که طرح مسئله «وحدت» از منظر قرآن کریم و مکتب اهل بیت (ع) و دیدگاه‌های نظام جمهوری اسلامی (قانون اساسی، نظرات امام راحل (ره)، مقام معظم رهبری، مراجع گرانقدر و شخصیت‌ها و علماء ارجمند) مورد توجه قرار گیرد.

این نوشتار با برگزاری بیست و هفتمین کنفرانس بین‌المللی وحدت اسلامی تقارن یافت و بیانیه پایانی این کنفرانس که حاوی مطالبی جامع از هر سه بخش فوق‌الذکر و با توجه به شرایط فعلی جوامع اسلامی در جهان با راه‌حل‌هایی در فراهم شدن همگرایی و توحید امت اسلامی نیز ارائه شده است، امداد غیبی برای «نامه» بود تا در آغاز سخن این شماره آن را درج نماید.

البته قبل از آن به ترجمه و فرمایش حضرت امام حسن عسکری (ع) پیرامون دو آیه از قران کریم اشاره می‌گردد:

۱- آیه ۴۶ سوره انفال چنین است: «از خدا و فرستاده او فرمان ببرد و با هم نزاع و ستیزه نکنید که سست و بیمناک می‌شوید و تسلط و حکومتتان از بین می‌رود و نسیم پیروزی بر شما نمی‌وزد، شکیبایی کنید که خدا با شکیبایان است».

۲- حضرت امام حسن عسکری در تفسیر آیه ۸۳ سوره بقره نیز فرموده‌اند: «با همه مردم، چه مؤمن و چه مخالف با زبان خوش سخن بگوئید. مؤمن، به هم مذهبان، روی خوش نشان می‌دهد و با مخالفان، با مدار سخن می‌گوید تا به ایمان او، جذب شوند و حتی اگر نشدند، با این رفتار، از بدی‌های آنان در حق خود و برادران مؤمن، پیشگیری کرده است.» جلد ۱۲ مستدرک، صفحه ۲۶۱.

ذیلاً اهم موارد بیانیه پایانی کنفرانس یاد شده تقدیم می‌گردد:

بسم الله الرحمن الرحيم

فلسطین و مقاومت شجاعانه آن است و یک بار دیگر بر لزوم اجرای حقوق مشروع ملت فلسطین که مهمترین آن حق این ملت در تعیین سرنوشت و تشکیل کشور مستقل خود در کلیه سرزمین های فلسطین به پایتختی قدس شریف تاکید دارد و بر حق آنها در بازگشت به خانه و کاشانه آنها تاکید دارند همچنین از جامعه بین المللی خواستار محاکمه جنایتکاران صهیونیست و مجازات آنها بخاطر جنایات جنگی و جرایم ضد بشری که داشته اند شده است.

۳- شرکت کنندگان در کنفرانس اعلام می دارند که مقاومت حق مشروع خلق هاست و همه انواع تروریسم اعم از فردی و گروهی و آنچه که به وسیله بعضی قدرتهای بزرگ تحت پوشش جهانی شدن و دمکراتیزه کردن کشورها انجام می دهند، از نظر اسلام و از نظر جهانیان محکوم است و حمایت خود را از فلسطین و لبنان اعلام می دارند.

۴- در راستای تحقق این وحدت در میان اهل قبله و این تقریب بین پیروان مذاهب اسلامی، شرکت کنندگان در کنفرانس به لزوم احترام گذاردن مسلمانان به یکدیگر و واگذاری بحث در امور اختلافی به علما و کارشناسان و عدم توهین و اهانت به شخصیتها را فرا می خوانند. همچنان که شرکت کنندگان در کنفرانس بر عدم اهانت و بی حرمتی به هر طرف به ویژه به اهل بیت و همسران پیامبر یا صحابه و پیشوایان مسلمانان را یا تعرض به آنها به شکل هر نوع اساعه گفتاری یا عملی و عدم جواز بی حرمتی به مساجد و پرستش گاه ها و حسینیه ها و آرامگاه ها و مراکز عبادی تاکید می کنند.

در این راستا شرکت کنندگان در کنفرانس فتوای تاریخی را که حضرت آیت الله امام خامنه ای، رهبر انقلاب اسلامی در مورد تحریم اساعه ادب به شخصیت های مذاهب اسلامی و توهین به همسران پیامبر که با استقبال گسترده علمای امت و محافل دینی و ازهر شریف روبرو شد، ارج می نهند.

۵- شرکت کنندگان در کنفرانس تاکید دارند که امت اسلامی با چالش های بزرگی روبروست که عقیده، شخصیت، فرهنگ و عناصر وجودی و نقش تمدنی آن را نشانه گرفته و در معرض توطئه هایی برای متفرق کردن و پراکندن جغرافیایی، زبانی، قومی و مذهبی و حتی تاریخی قرار دارد. همچنان که کوشش می شود

که در ابعاد اجتماعی علمی و اقتصادی و نظامی و غیره نیز عقب مانده نگه داشته شود و برای دور ساختن آن از اسلام و ایجاد تردید در توانایی روبرویی با مشکلات جدید زندگی و نیز گسترش رفتارهای انحراف آمیز مادی و ایجاد نوعی غرب زدگی و تقلید و شیفتگی نسبت به غرب برنامه ریزی می شود.

این امر همچنین از طریق تضعیف آموزش و پرورش اسلامی و ایجاد تردید در توانایی این آموزش و پرورش در توسعه و پیشرفت امت و نفوذ در رسانه های اسلامی با اشاعه روحیه شکست و وادادگی اخلاقی تلاش می شود تا نتواند نقش مطلوب خود را در ریشه کنی فتنه ها و آگاهی بخشی و روشنگری و بنای شخصیت متعادل اسلامی ایفا نماید.

۶- ...

۷- شرکت کنندگان در کنفرانس از طریق موارد زیر به خلاقیت در عرصه اندیشه های منجر به تقریب فرا می خوانند:

۸- ...

۹- شرکت کنندگان در کنفرانس اعلام می دارند که تقریب به معنی تعصب مذهبی یا کوشش برای تبلیغ یک مذهب میان پیروان مذهب دیگر نیست و آنچه را که برخی طرف ها به عنوان کوشش شیعه کردن اهل سنت یا سنی کردن شیعیان ترویج می کنند بیشتر به قصد فتنه انگیزی و مفسده جویی میان مسلمانان و گسترش اختلاف میان امت است.

۱۰- ...

۱۱- ...

۱۲- ...

۱۳- شرکت کنندگان در کنفرانس تاکید دارند که قرآن کریم و سنت شریف نبوی فضای انسانی شکوهمندی را تحقق بخشیده اند و خردورزی و روحیه گفتگوی سازنده و آزادی اجتهاد طبق ضوابط شرعی و ترویج روحیه برادری و وحدت تحقق بخشیده اند و پیش از آن ویژگیهای امت اسلامی و رسالت والای آن را به همه جهانیان روشن ساخته اند. به همین دلیل تعدد مذاهب حالتی طبیعی است

که در ایجاد راه حل های متنوع در پرتو احکام شریعت اسلام تاثیر سازنده‌ای داشته است.

۱۴- شرکت کنندگان در کنفرانس برآنند که هواها و گرایشهای سیاسی و شیوع حالت‌های تعصب آمیز و جهل برخی پیروان مذاهب نسبت به حقیقت مذاهب دیگر به ایجاد حالت ناهمگون و فرقه ای و چیدگی پدیده غلو و تکفیر و افراط و نفرت و انتقال نزاع های فکری به عرصه عملی انجامیده و پیامدهای منفی خطرناکی بر نیرو و همبستگی امت برجای گذاشته و راه های ضربه زدن به آن را برای دشمنان آسان ساخته است.

۱۵- شرکت کنندگان در کنفرانس پیروزی‌ها و گام‌های موفقیت‌آمیز ملت های اسلامی در بیداری آنها را شادباش گفته و همگان را فرا می خوانند تا به حمایت مادی و معنوی از خلق های ستم دیده به ویژه در فلسطین و میانمار بپردازند.

۱۶- ...

۱۷- ...

۱۸- شرکت کنندگان در کنفرانس تاکید دارند که مذاهب اسلامی هشت گانه جملگی مذهبی اسلامی بوده و پیروان هر کدام از آنها مسلمان تلقی می شوند و حقوق و تکالیف همه مسلمانان نیز بر آنها جاری است. آنها بر مواضعی که از سوی مراجع دینی اهل سنت و شیعه و به ویژه بزرگان ازهر شریف و مراجع دینی در نجف اشرف و قم درخصوص ضرورت اجتناب از هر آنچه که منجر به پراکندگی صفوف مسلمانان می گردد، انگشت می گذارند و همه انواع تکفیر و دعوت به تجاوز به خون و مال و ناموس مسلمانان را محکوم می نمایند.

۱۹- ...

۲۰- ...

با ابیاتی از «مولوی» این بخش را حسن ختام می‌دهد:

مؤمنان معدود لیک ایمان یکی	جسمشان معدود لیکن جان یکی
جان گرگان و سگان هر یک جداست	متحد جان‌های شیران خداست
کم‌نشین بر اسب توسن بی‌لگام	عقل و دین را پیشوا کن والسلام

کلام بزرگان

نامه امام خمینی (ره) به سید احمد آقا

پسرم! اگر می‌توانی با تفکر و تلقین، نظر خود را نسبت به همه‌ی موجودات، به ویژه انسان‌ها نظر رحمت و محبت کن. مگر نه این است که کافه‌ی موجودات از جهات عدیده که به احصا در نیاید مورد رحمت پروردگار عالمیان هستند.

مگر نه آن که وجود حیات و تمام برکات و آثار آن از رحمت‌ها و موهبت‌های الهی است بر موجودات، و گفته‌اند: «کلّ موجود مرحوم».

مگر موجودی ممکن الوجود امکان دارد که از خود، به نفسه، چیزی داشته باشد یا موجودی مثل خود [که] ممکن الوجود [است] به او چیزی داده باشد؟

در این صورت رحمت رحمانیه است که جهان شمول است. مگر خداوند که رب العالمین است و تربیت او جهان شمول است، تربیتش جلوه‌ی رحمت نیست؟ مگر رحمت و تربیت بدون عنایت و الطاف جهان شمول می‌شود؟

پس آن چه و آن کس که مورد عنایات و الطاف و محبت‌های الهی است چرا مورد محبت ما نباشد؟ و اگر نباشد این نقصی نیست برای ما؟! و کوتاه‌بینی و کوتاه‌نظری نیست؟!

هان! من پیر شدم و نتوانستم این نقیصه و سایر نقیصه‌های بی‌شمار را از خود بزدایم. تو جوانی و به رحمت و ملکوت حق نزدیک‌تری، سعی کن این نقیصه را از خود بزدايي.

خداوند تبارک و تعالی تو را و همه را و ما را توفیق آن دهد که این حجاب را برداریم و آن چه مقتضای فطرت الله است، بیابیم.

پسرم! هیچگاه دنبال تحصیل دنیا، اگرچه حلال او باشد، مباح که حب دنیا، گرچه حلالش باشد، راس همه‌ی خطایا است چه خود حجاب بزرگ است وانسان را ناچار به

دنیاى حرام می‌کشد. تو جوانی و با قدرت جوانی که حق داده است می‌توانی اولین قدم انحراف را قطع کنی و نگذاری به قدم های دیگر کشیده شوی که هر قدمی، قدم‌هایی در پی دارد و هر گناهی گرچه کوچک، به گناهان بزرگ و بزرگ‌تر انسان را می‌کشد. به طوری که گناهان بسیار بزرگ در نظر انسان ناچیز آید، بلکه گاهی اشخاص به ارتکاب بعض کبائر به یکدیگر فخر می‌کنند و گاهی به واسطه‌ی شدت

ظلمات و حجاب‌های دنیوی، منکر به نظر معروف و معروف، منکر می‌گردد.

پسرم! آن چه مورد نکوهش و سرمایه و اساس شقاوت‌ها و بدبختی‌ها و هلاکت‌ها و راس تمام خطاها و خطیئه‌هاست حب دنیاست که از حب نفس نشات می‌گیرد.
ادامه دارد

* * *

رهبر انقلاب اسلامی، در قسمتی از سخنان مورخ ۹۲/۸/۱۲ خود همه جوانان را به تحلیل صحیح و دقت در موضوع مبارزه با استکبار توصیه کردند و افزودند: جوانان اول انقلاب نیازی به تحلیل در مورد مبارزه با امریکا نداشتند زیرا ظلم و ستم امریکا و حمایت آن از رژیم بی رحم طاغوت را دیده بودند اما جوان امروز باید با تحقیق و تحلیل درست دریابد که چرا ملت ایران با استکبار و رویکردهای امریکا مخالف است و دلیل بیزاری ملت ایران از امریکا چیست؟

رهبر انقلاب اسلامی سپس به بیان چند نکته مهم و اساسی درباره مسائل جاری با امریکا، پرداختند. ایشان، ضمن حمایت از مجموعه مسئولان و مذاکره کنندگان با پنج به علاوه یک، تأکید کردند: اینها فرزندان انقلاب و مأموران جمهوری اسلامی هستند که با تلاش فراوان در حال انجام دادن مأموریت سخت خود می باشند و «هیچ کس نباید آنها را تضعیف کند، مورد توهین قرار دهد یا سازشکار بماند.

«حضرت آیت الله خامنه ای با اشاره به اینکه مذاکرات با شش کشوری که امریکا نیز جزو آنهاست فقط درباره مسئله هسته ای است ولاغیر افزودند: بآذن الله از این مذاکرات ضرری هم نمی کنیم بلکه تجربه ای در اختیار ملت قرار می گیرد که مثل تجربه تعلیق موقت غنی سازی در سالهای ۸۲ و ۸۳، ظرفیت فکری و تحلیلی مردم را بالا خواهد برد. رهبر انقلاب در تشریح بیشتر نتایج آن تجربه ملی افزودند: یک دهه قبل در مذاکرات با اروپایی ها، با نوعی عقب نشینی، تعلیقی را که در واقع تحمیل شده بود پذیرفتیم اما بعد از دو سال تعلیق و تعطیلی بسیاری از کارها، همه فهمیدیم که حتی با این گونه کارها، مطلقاً آمیدی به همکاری طرفهای غربی وجود نخواهد داشت.

حضرت آیت الله خامنه ای خاطر نشان کردند: اگر این کار را نمی کردیم ممکن بود برخی مدعی شوند که اگر یک بار عقب نشینی می کردید مشکلات حل و پرونده هسته ای عادی می شد، اما با تجربه تعلیق موقت، همه درک کردند که طرفهای ما دنبال اهداف دیگری هستند، لذا کار و پیشرفت را مجدداً شروع کردیم.

ایشان تفاوت وضع هسته ای امروز ایران با یک دهه قبل را تفاوت از زمین تا آسمان خواندند و ضمن اعلام حمایت جدی و محکم از مسئولان مسائل جاری با امریکا افزودند: به مذاکرات جاری خوش بین نیستیم چرا که معلوم نیست نتایجی را که ملت انتظار دارد به همراه بیاورد اما معتقدیم این تجربه ایرادی ندارد به شرط اینکه ملت بیدار باشد و بداند چه اتفاقی دارد می افتد.

رهبر انقلاب با انتقاد شدید از برخی عناصر «تبلیغات چی ساده لوح یا مغرض» افزودند: بعضی با خط گیری از رسانه های بیگانه در تلاشند با گمراه کردن افکار عمومی، اینگونه القا کنند که اگر در مسئله هسته ای تسلیم شویم، همه مشکلات اقتصادی و غیر اقتصادی حل می‌شود.

ایشان در اثبات بطلان این ترفند تبلیغاتی، به توطئه ها و طرحهای ضد ایرانی امریکا قبل از مطرح شدن بحث هسته ای ایران استناد کردند و از همه ملت بویژه جوانان دانشجو و دانش آموز خواستند که در این زمینه تفکر و تأمل کنند. حضرت آیت الله خامنه ای با طرح چند سؤال افزودند: آیا اول انقلاب که امریکا تحریم های ایران را برقرار کرد و آن را ادامه داد مسئله هسته ای در میان بود؟ آیا هنگام هدف قرار دادن هواپیمای مسافربری ایران و قتل عام ۲۹۰ سرنشین آن، بهانه ای به نام مسئله هسته ای وجود داشت؟ آیا در سالهای اول انقلاب که امریکایی ها طرح کودتای پایگاه شهید نوژه را اجرا کردند موضوع هسته ای مطرح بود؟ آیا حمایتهای تسلیحاتی و سیاسی امریکا از گروههای ضد انقلاب پس از پیروزی انقلاب به علت فعالیت‌های هسته ای ایران بود؟

حضرت آیت الله خامنه ای با اشاره به پاسخهای منفی این سئوالات تأکید کردند: بنابراین مسئله هسته ای، بهانه ای بیش نیست و فرضاً اگر روزی این مسئله با عقب نشینی ما حل شود آنها برای ادامه دشمنی با ایران عزیز، دهها بهانه دیگر از جمله پیشرفتهای موشکی، مخالفت ملت ایران با رژیم صهیونیستی و حمایت جمهوری اسلامی از مقاومت را مطرح می کنند.

رهبر انقلاب اسلامی پس از استناد به این واقعیات تأکید کردند: دشمنی امریکایی ها با جمهوری اسلامی به این علت است که ملت ایران با رد خواستههای آنها، معتقد است امریکا علیه ایران هیچ غلطی نمی تواند بکند.

ایشان افزودند: امریکا با موجودیت جمهوری اسلامی و با «نفوذ و اعتبار و اقتدار نظام منتخب ملت ایران»، مخالف است. همانگونه که اخیراً یکی از سیاستمداران و عناصر فکری امریکا به صراحت اعلام کرد ایران چه اتمی باشد چه نباشد خطرناک است چرا که دارای نفوذ و اقتدار است و به قول خودشان هژمونی ایران بر منطقه حاکم شده است.

حضرت آیت الله خامنه ای در جمع بندی این بخش از سخنانشان تأکید کردند: مسئله هسته ای بهانه است و امریکاییها زمانی از خصومت دست بر می دارند که ملت ایران، به ملتی منزوی، بی اعتبار، و بی احترام تبدیل شود. رهبر انقلاب در ادامه سخنانشان، نگاه به درون و تکیه بر قدرت داخلی را راه حل واقعی مسائل و مشکلات موجود دانستند و خاطر نشان کردند: اگر ملتی به قدرت و تواناییهای خود متکی بود از احم یا تحریم دشمن متلاطم نمی شود و ما باید دنبال تحقق این هدف باشیم.

ایشان افزودند: همه حرف ما با مسئولان گذشته و امروز این است که برای پیشرفت و گشایش کارها، به ظرفیتهای متنوع و گسترده انسانی، طبیعی و جغرافیایی ایران تکیه کنید.

رهبر انقلاب در همین زمینه تحرک دیپلماسی را هم بسیار لازم خواندند و افزودند: تکیه بر تواناییهای درونی به معنای نفی دیپلماسی نیست اما باید توجه داشت تحرک دیپلماسی تنها بخشی از کار است و محور اصلی، اتکا به توانایی داخلی است که می تواند پای میز مذاکره نیز اعتبار و اقتدار بیاورد.

* * *

حضرت آیت الله حسین مظاهری در ادامه سلسله مباحث اخلاقی خود، اظهار داشت: نماز، روزه، حج، خمس، زکات، خیرات و میراث و عزاداری، از کسی پذیرفته می شود که گناهکار نباشد، از این رو اعمال افراد فاسق و فاجر ارزشی نزد پروردگار متعال ندارد، گرچه به وظیفه هم عمل کرده باشند و آن عمل را از نظر ظاهری صحیح به جا آورده باشند.

وی افزود: بنابراین اگر انسان، هنگام عبادت، گناهی مرتکب شود، مثلاً غیبت کند، در صورتی که شرایط ظاهری آن عبادت را رعایت کرده باشد، عبادت او صحیح است، اما مقبول نیست و نزد خداوند متعال هیچ ارزشی ندارد.

این مرجع عالیقدر تصریح کرد: عبادت، اگر به صورت واقعی انجام شود و عبادت کننده، رعایت تقوا را کرده باشد، آثار و برکات فراوانی دارد و اگر کسی برکات عبادت را در زندگی خود مشاهده نمی کند، باید بداند که متقی نیست، در واقع عدم تأثیر اعمال عبادی و عدم استجاب دعاها، ناشی از گناهیانی است که انسان مرتکب می شود.

وی در بخشی از صحبت های خود ادامه داد: شیطان، بیش از آنکه مانع به جا آوردن ظاهری عبادت شود، برای از بین بردن ارزش باطنی عبادت تلاش می کند. از این رو بسیاری از مردم نماز می خوانند، روزه می گیرند، حج می روند، اما عبادت آنان در اثر فریب شیطان بی ارزش می شود.

حضرت آیت الله مظاهری با بیان اینکه لقمه حرام، یکی از مهم ترین موانع، برای پذیرش عبادت است، بیان کرد: به تعبیر دیگر، عبادتی که پس از خوردن غذای حرام به جا آورده شود، پذیرفته نمی شود. بنابر فرمایش پیامبر اکرم «صلی الله علیه وآله و سلم»، خداوند متعال ملکی دارد که همواره در فراز آسمان ندا سر می دهد. این ملک همیشه بوده است و در عصر کنونی نیز وجود دارد و فریاد می زند: کسی که حرام می خورد، عبادت مقبول ندارد و نه عمل واجب از او پذیرفته می شود نه عمل مستحب و عبادت او روح ندارد و بی ارزش است. خوردن مال حرام و شبهه ناک اثرات سوئی در زندگی انسان می گذارد، دنیا و آخرت انسان را تباه می کند و او را از معنویات دور می سازد.

ایشان در بخشی از صحبت های فرمودند، نماز، معراج مؤمن است و انسان با دو رکعت نماز می تواند به مقامات والای عرفانی دست یابد. ولی اگر مال حرام در زندگی کسی باشد، نماز او هیچ ارزشی ندارد. برای چنین کسی نماز سنگین و روزه ملال آور است. رئیس حوزه علمیه اصفهان یکی از عوامل مهم پدید آورنده فساد اخلاقی در جامعه را لقمه حرام دانست و گفت: جوانان لالابالی و بی بند و بار که فساد اخلاقی را ایجاد می کنند، ذاتاً انسان های بدی نیستند. آنان فرزندان همین جامعه هستند و حتی در بن بست ها هم خدا خدا می کنند، اما لقمه حرام موجب شده است چنین شوند و این در حالی است اگر شکم کسی از حرام پر شود، رستگاری و سعادت او بسیار مشکل است و تا وقتی درآمد مردم حرام یا شبهه ناک است، یعنی تا وقتی جوانان و نوجوانان لقمه حرام می خورند، وضعیت فساد اخلاقی به همین صورت خواهد بود.

مناسبت‌های ماه

مناسبت‌های بهمن ماه ۱۳۹۲

- دوازدهم بهمن سال ۱۳۵۷ شمسی امام خمینی (ره) بعد از ۱۴ سال به میهن اسلامی پیروزمندانه بازگشتند و دهه فجر انقلاب اسلامی آغاز گردید.
- نوزدهم بهمن برابر با هشتم ربیع الثانی در سال ۲۳۲ هجری قمری حضرت امام حسن عسکری ولادت یافتند.
- بیست و یکم بهمن مطابق با دهم ربیع الثانی در سال ۲۰۱ هجری قمری حضرت معصومه (س) در قم وفات یافتند.
- در چنین روزی در سال ۱۳۵۷ شمسی با فرمان امام خمینی (ره) حکومت نظامی رژیم طاغوتی شکسته شد.
- بیست و دوم بهمن سال ۱۳۵۷ شمسی نظام طاغوتی شاهنشاهی پهلوی سقوط کرد و انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی (ره) به پیروزی رسید.
- بیست و پنجم بهمن سال ۱۳۶۷ طی حکم تاریخی از سوی امام خمینی (ره) مبنی بر ارتداد سلمان رشدی نویسنده کتاب آیات شیطانی صادر شد.
- بیست و نهم بهمن دومین قیام مردمی به مناسبت چهلمین روز شهادت تعدادی از مردم قم در شهرستان تبریز در سال ۱۳۵۶ شمسی به وقوع پیوست.

مصائب ریاضت اقتصادی

(تجارت فردا- شماره ۴۳)

بروز بحران اقتصادی در سال ۲۰۰۸ میلادی و به دنبال آن ورود به دوران رکود در کشورهای اروپایی و ایالات متحده به‌رغم تمام مصائبی که به بار آورد، موجب شد سرفصل‌های جدیدی نیز در مباحث اقتصادی مطرح شوند. بدوا در مواردی مانند «مداخله دولت تحت بسته‌های نجات یا محرک‌های اقتصادی» فتح بابی برای پژوهش‌های جدید صورت گرفت و با گذشت زمان و تغییر شرایط، مطالب دیگری از جمله «بودجه ریاضتی» که نسبتاً جدیدتر هم بودند، مطرح شدند.

سپس با بهره‌گیری از این مفاهیم، اقتصادهای پیشرفته غربی در عمل تدابیر متنوع لکن هم‌سوئی را اتخاذ کردند و تبعات و دستاوردهای مختلفی نیز نصیبشان شد که باید به آنها پرداخت و از جنبه‌های مختلف آن تجربه اندوخت؛ به ویژه که در میانه سال ۲۰۱۳ میلادی شرایط مشابهی، با تأخیر بر اقتصاد کشورمان در شرق عالم حادث شده است. هم‌اکنون اقتصاد ملی حتی اگر در رکود کامل هم نباشد (به زعم برخی)، قطعاً در دوران رونق نیز به سر نمی‌برد و اصلی‌ترین منبع تامین مالی دولت؛ یعنی درآمد حاصل از صادرات نفت نیز با تنگنا روبه‌رو شده است. از آنجا که این روزها بودجه کل کشور در صحن مجلس شورای اسلامی در حال بررسی و تدوین نهایی است به نظر می‌رسد پرداختن به موضوع «بودجه ریاضتی» کماکان می‌تواند مورد توجه تصمیم‌گیران و تصمیم‌سازان واقع شود بنابراین در این نوشتار به اجمال به تعریف، ابعاد و ویژگی‌های «بودجه ریاضتی» پرداخته خواهد شد.

ریاضت

«سیاست ریاضتی» در تعریف ساده عبارت است از: کاهش مداوم کسری بودجه توسط دولت؛ به طوری که از یک سو هزینه و مخارج دولت کاهش یابد و از سوی دیگر به طور همزمان درآمدهای ناشی از مالیات و سایر درآمدهای دولتی (و نه واگذاری دارایی‌های سرمایه‌ای مانند نفت) افزایش یابد. این سیاست در زمان تشدید رونق و برای مواجهه با دوره‌ها و سیکل‌های تجاری در سطح اقتصاد کلان اعمال می‌شود تا سرعت فرود به سیکل رکود تعدیل شود. مع‌ذکب ریشه اتخاذ اخیر این سیاست به ویژه در کشورهای اروپایی (E17) و در دوران رکود به چند عامل دیگر

درمبارزات امام و تفکر امام همواره مردم به ومدت دعوت می‌شوند، وی فرمودند از طریق ومدت اول می‌توانید کشور فود را بسازید و ثانیاً در سراسر دنیا مرفق و کلمه مق را می‌توانید به پیش ببرید و ملت‌های جهان را مذبذب فود کنید.
از یکصد و ده کلام ناب شهید مظلوم آیت‌الله دکتر بهشتی

بازمی‌گردد که هر یک به نوعی در شرایط فعلی اقتصاد کشور نیز دارای مصداق هستند. در واقع با بروز شواهد رکود در برخی کشورهای اروپایی، ناتوانی دولت‌ها در بازپرداخت اقساط اوراق قرضه‌هایی که قبلاً در بازارهای بین‌المللی سرمایه، به فروش رسانده بودند تدریجاً آشکار شد و بحران بدهی‌های ملی دولت‌های اروپایی مانند یونان، ایتالیا و پرتغال و... شکل گرفت. در نتیجه با کاهش رتبه اعتباری این دولت‌ها، نرخ بهره و هزینه تامین مالی بین‌المللی آنها افزایش یافت؛ بنابراین عامل اول رکود و کاهش تولید ناخالص داخلی، عامل دوم سررسید توام با افزایش هزینه‌های بازپرداخت وام‌های خارجی و سوم عدم امکان تامین مالی مجدد کسری‌های داخلی هر یک در مجموع سبب شدند - فشار مالی - مضاعفی بر دوش دولت‌ها وارد شود. این فشار مالی در شاخص نسبت «بدهی عمومی به تولید ناخالص داخلی» (Debt/GDP) ظاهر شد و در اکثر کشورهای اروپایی از مرز قابل تحمل (۹۰ درصد) فراتر رفت و بنابراین دولت‌ها که قبلاً در ایجاد تحریک سریع متغیر رشد (GDP) با مانع روبه‌رو بودند، ناچار به ساماندهی متغیر بدهی (Debt) پرداختند.

ساماندهی متغیر بدهی با اعمال سیاست‌های ریاضتی در بخش هزینه‌های دولت پیگیری شد و اگرچه موجب بهبود کسری بودجه می‌شد، اما یک اثر پنهان در خود داشت و آن تاثیر مستقیم کاهش مخارج دولت در کاهش رشد تولید ناخالص داخلی بود که همزمان هم در صورت و هم در مخارج کسر نسبت بدهی به تولید (Debt/GDP) اثر منفی می‌گذارد. با این وصف استمرار سیاست ریاضتی اگرچه به دستاورد بهبود اعتبار و ثبات در نظام مالی دولت‌ها منجر می‌شد، اما تبعاتی نیز در پی داشت که اول شامل اثر منفی کاهش مخارج دولت بر سرعت رشد و دوم شامل اثر منفی افزایش مالیات‌ها بر سرمایه‌گذاری‌های جدید بود. نکته مهم آن است که سیاست‌های ریاضتی که ناظر بر اوضاع مالی دولت است نباید با انقباض در نظام بانکی و پولی کشور که ناظر بر سیاست‌های پولی و کنترل تورم است یکسان فرض شود.

ریاضت انبساطی

چربش دستاورد سیاست‌های ریاضتی بر تبعات آن یا بالعکس در تجارب اروپایی، آمریکایی و کانادا به چگونگی ساختار بودجه این دولت‌ها بازمی‌گردد. به عبارت دیگر اینکه مخارج دولت‌ها به مرور زمان صرف چه اموری در اقتصاد ملی شده است،

می‌تواند نشانگر آن باشد که کاهش هزینه‌ها، اقتصاد را با چه چالش‌هایی روبه‌رو می‌سازد. برای مثال کاهش در سهم هزینه‌های دفاعی در بودجه ایالات متحده یا کاهش هزینه‌های رفاهی در بودجه دولت یونان هر یک می‌تواند منجر به دو اثر متفاوت شود و برآیند آنها در ضریب مالی متجلی می‌شود. برای مثال در بریتانیا بنا بر شرایط عمومی اقتصاد این ضریب ۰/۶ استخراج شد؛ به طوری که با افزایش ۱۰ دلار در درآمدهای دولتی (کاهش کسری بودجه) شش دلار کاهش در تولید کشور حادث می‌شد. به همین واسطه اجرای سیاست‌های ریاضتی در بریتانیا کمابیش با توفیق همراه بود و با کمترین برخورد اجتماعی پیش رفت در حالی که این ضریب در سایر اقتصادها بین ۰/۹ تا ۷/۱ متغیر بوده است و لذا تبعات سنگینی به دنبال داشت. همین واقعیت نیز سبب شد تا کارشناس ارشد صندوق بین‌المللی پول (Olivier Blanchard) در گزارش اخیر خود و با توجه به آمار ۱۷ عضو اروپایی نسبت به منافع سیاست‌های ریاضتی اظهار تردید کنند و اعمال سیاست‌های ریاضتی یونان را بیش از حد شدید و توجیه‌ناپذیر بخوانند. در مقابل دیگر پژوهشگران (Chris Giles) با خارج کردن آمار دو کشور یونان و آلمان از فهرست سری زمانی داده‌ها مجدداً نسبت به اعمال این‌گونه ریاضت‌ها خوش‌بین باشند. بر همین اساس هم‌اکنون رویکرد جدیدی (برخلاف رویکرد سنتی کینزی) در پشتیبانی از سیاست‌هایی تحت عنوان «انبساط ناشی از انقباض مالی» ظاهر شده است که در آن چنین استدلال می‌شود که اگر دولت به طور کوتاه‌مدت از هزینه‌های خود بکاهد و از عرصه اقتصاد عقب‌نشینی کند و با افزایش مالیات‌ها، احتمال افزایش مجدد آن را در افق میان‌مدت کاهش دهد، آنگاه آحاد اقتصادی بر اساس انتظارات عقلایی، ترغیب خواهند شد تا سرمایه‌گذاری‌ها و مصرف خصوصی خود را با توجه به منافع که در آینده به دست خواهند آورد، گسترش دهند و در نتیجه پس از رفتار انقباضی دولت، انبساطی در عرصه اقتصاد بخش خصوصی ظاهر می‌شود که می‌تواند دستاورد مورد هدف باشد. به عبارت دیگر مسیری برعکس Crowding out طی می‌شود. این مطلب در اقتصاد دانمارک و آلمان دارای شواهد عددی است.

مصائب ریاضتی

با تمام این اوصاف «سیاست ریاضتی» همان‌گونه که از نام آن مشهود است در اجرا، دشواری و مضیقه‌هایی را متوجه بخش‌ها و آحاد مختلف اقتصادی می‌کند که

موجب کاهش محبوبیت سیاسی تصمیم‌گیران می‌شود و در نتیجه آمادگی نظام سیاسی اجرایی برای پذیرش عواقب آن با تناقض مواجه است؛ بنابراین یک محمصه تصمیم‌گیری رخ می‌دهد. مرور فهرست اجزای ریاضت اقتصادی یونان که در سه دور از بسته‌های سیاستی به اجرا گذاشته شد عمق دشواری و خطیر بودن مسیر اصلاحات در بودجه‌های دولتی را نشان می‌دهد. در یونان کلیه حقوق، مزایا و کمک‌هزینه‌های افراد شاغل در دولت از اعضای کابینه تا مجلس و سایر کارکنان کاهش داده شد. پاداش و عیدی پایان سال یا همان حقوق ماه سیزدهم و چهاردهم حذف شد. رشد حقوق تا سال ۲۰۱۴ متوقف شد. در بخش خصوصی اجبار رشد سالانه دستمزدها رفع شد و این امکان ایجاد شد که دستمزد معادل ماه سیزدهم و چهاردهم سال پرداخت نشود. امکان اخراج کارکنان بیش از پیش تسهیل شد. بر کلیه درآمدهای اشخاص بر اساس جداول درآمدی بین ۴ تا ۱۰ درصد افزایش در مالیات مستقیم اعمال شد. کارفرمایان در استخدام جوانان تازه‌کار مختار شدند تا معادل ۸۰ درصد حداقل دستمزد را پرداخت کنند. ضمن آنکه حداقل دستمزد نیز پایین نگه‌داشته شد. مالیات بر دخانیات، سوخت و خودروهای لوکس افزایش پیدا کرد و مقرر شد از سال ۲۰۲۰ سن بازنشستگی افزایش یابد به طوری که بازنشستگی با ۴۰ سال سابقه مقدور باشد. در کنار تمام این موارد سختگیرانه، مصوب شد تا ۱۳ صندوق سرمایه‌گذاری بازنشستگی کشور در سه صندوق بزرگ تجمیع و ادغام شوند و سهم پرداختی برای عضویت در صندوق‌ها تغییر کند. در یونان با جمعیت ۱۱/۲ میلیون نفر هم اکنون ۴/۴ میلیون نفر شاغل و ۲/۶ میلیون نفر از صندوق‌ها مقرری دریافت می‌کنند و عدم تعادل صندوق‌ها توسط بودجه‌های دولتی تامین می‌شود. توجه به این موارد نشان می‌دهد انتخاب مسیر ریاضت اقتصادی لزوماً یک انتخاب آسان توسط ملت و دولت یونان نبوده است، بلکه پذیرش ناگوار استانداردهای جدیدی از رفاه اجتماعی بود که نسبت به گذشته بسیار نازل‌تر بودند.

در ایالات‌متحده نیز سیاست‌های ریاضتی در کاهش کسری بودجه دولت شامل چگونگی مواجهه با کاهش یا عدم کاهش مخارج بخش‌های دفاع، بهداشت و درمان و آموزش با بررسی‌های زیادی همراه شد که بر اساس برخی داده‌ها دامنه اجرای سیاست حتی از اروپا عمیق‌تر بود و چالش‌های آن با عنوان پرتگاه مالی در رسانه‌ها انعکاس یافت. در آن کشور و در دوران اعمال بسته‌های حمایتی بلافاصله بعد از

بحران سال ۲۰۰۸ میلادی ابتدا بدهی انباشته بخش خصوصی تحت توافقات با بانک‌ها و نهادهای سرمایه‌گذاری با بدهی دولتی معاوضه شد تا تحرک در بخش خصوصی ایجاد شود و سپس دولت به مرور زمان تلاش کرد تا از طریق کاهش کسری بودجه به تدریج از میزان بدهی‌ها کاسته شود. اینکه ابتدا مالیات‌ها بیشتر افزایش یابد یا آنکه قبلاً هزینه‌های دولت کاهش یابد و اصولاً تقدم و تاخر بین آن دو چگونه باشد، کانون مذاکرات بین‌کنگره و دولت بود.

ایجاد ثبات در تامین مالی دولت

به این ترتیب تفصیل سیاست‌های ریاضتی با شدت و حدت مختلف در اکثر کشورهایی که با مسائل اقتصادی پس از بحران ۲۰۰۸ روبه‌رو شدند به اجرا درآمده است. برخی مسیر رشد و اشتغال خود را بازیابی کرده‌اند، برخی در مسیر بهبود قرار گرفته‌اند. امروز و در میانه سال ۲۰۱۳ میلادی مشکلات اقتصادی کشور با مسائل اروپایی دارای شباهت‌هایی شده است (ریاضت ایرانی، ریاضت یونانی اسفند ۹۱ مجله «تجارت فردا»). همان‌گونه که ذکر شد اقتصاد کشور به واسطه عدم رونق اقتصادی و دشواری در دسترسی به منابع مالی، شرایطی را نشان می‌دهد که در آن مساله «پایداری مالی» می‌تواند با اولویت بالا، مد نظر تصمیم‌گیری‌ها و سیاست‌گذاری‌ها قرار گیرد. به منظور ایجاد پایداری مالی ضروری است تا برای افزایش منابع و کاهش مصارف در بودجه کشور در یک افق زمانی مشخص و قابل تخمین، برنامه روشن، قابل اتکا و اجرایی فراهم شود. اگر در محاسبات بنابر مصلحت ناشی از «اقتصاد مقاومتی» در نظر باشد تا بودجه دولت هرچه کمتر تحت تاثیر فروش نفت و آثار درآمدی آن باشد آنگاه قطعاً با توجه به روند حساب سرمایه نسبت بدهی عمومی به تولید ناخالص داخلی کشور (Debt/GDP) وارد ترازهای جدیدی در مرز بالا می‌شود که در آن صورت توجه مضاعف به طراحی و اجرای «سیاست‌های ریاضتی» منطبق با ساختار اقتصادی اجتماعی کشور فوریت می‌یابد. لکن باید توجه داشت که ویژگی‌های ساختاری بودجه کشور در قیاس با بودجه کشورهای اروپایی، نشانگر یک تفاوت است و آن وابستگی بالای اقتصاد ملی به هزینه‌های دولتی است که آن نیز در طول سالیان بسیار وابسته به درآمدهای نفتی شده است؛ بنابراین در حل مساله «ثبات مالی» کشور و اعمال سیاست‌های ریاضتی، باید تجارب اروپایی را با عمق بیشتری مورد واکاوی قرار داد.

جمع‌بندی: رشد لرزان امروز یا رشد باثبات فردا

اگر شکل‌گیری تورم فعلی در اقتصاد کشور را بتوان با دو عامل کسری بودجه دولت و بدهی بانک‌ها به بانک مرکزی توضیح داد، قطعاً سیاست‌های ریاضتی در بهبود و تخفیف اثر عامل اول موثر خواهد بود. ضمن آنکه باید متذکر شد کاهش کسری بودجه خود باید به همراه اصلاح ساختار بودجه تجویز شود. بین تعریف و شمولیت دامنه بودجه در ایران و بودجه در سایر کشورها تفاوت‌هایی ایجاد شده و به مرور به بودجه کشور وزنه‌ها و تعهدات مختلف مالی متصل شده است که باید رفع شوند. با پذیرش دشواری‌های این مرحله انتقالی و ایجاد ثبات در نرخ تورم و کاهش در تورم به تدریج افق پیش روی بخش‌های مولد اقتصاد نیز گشوده می‌شود. کاهش تورم و مهار آن، برنامه‌ریزی برای عملیات تولید و کنترل هزینه‌ها در بنگاه در هر دوره زمانی را امکان‌پذیر می‌سازد و مساله غامض تامین مالی مستمر سرمایه در گردش در بنگاه‌ها را سامان‌دهی می‌کند. از سوی دیگر با کاهش تورم به تدریج نرخ اعطای تسهیلات نیز کارکرد واقعی خود را در بازار مالی بازیابی می‌کند. به این صورت که اولاً پروژه‌هایی که دارای نرخ بازده واقعی هستند وارد صف تقاضای تسهیلات بانکی و پیشگام صنایع با تولید پایدار می‌شوند. ثانیاً هزینه فرصت نگهداشت تسهیلات بانکی در شکل دارایی‌های غیرمولد که با تورم رشد می‌کنند افزایش می‌یابد و ادامه آن توسط مشتریان بانک که اهداف غیرتولیدی دارند، ناممکن می‌شود؛ بنابراین بازپرداخت تعهدات و دیون شتاب می‌گیرد و این دو با هم از فشار فعلی بر نظام بانکی می‌کاهد و موجب بهبود روابط مالی فعلی بانک‌ها با بانک مرکزی می‌شود که اثر کاهنده بر نرخ تورم خواهد داشت. بنابراین انتظار می‌رود با یک وقفه نسبی چرخه تولید بنگاه‌ها با علامت صحیحی که از تورم و نرخ بهره حقیقی دریافت می‌کنند به گردش درآید.

«نامه»: با توجه به همزمانی بررسی بودجه کل کشور در مجلس شورای اسلامی مطالعه این مقاله انشاء‌الله مفید خواهد بود.

امپریالیسم نفتی

(قسمت سوم)

اشاره: خوانندگان گرامی در بخش حاضر از مقاله پی خواهند برد که چگونه و با چه ابزاری، آمریکا با ایجاد دگرگونی و سیاست‌های مالی خود، دلار را تبدیل به پول پایه جهانی کرده و از این رهگذر، به کنترل اقتصاد بین‌الملل می‌پردازد. تردیدی وجود ندارد که در این شبکه پیچیده امپریالیستی، نفت یکی از نقش‌های اصلی را ایفا می‌کند. در این قسمت پیوستگی سیاست‌های پولی و نفتی، نفت محوری بجای طلا محوری، نفت و نئوکان‌ها را ملاحظه می‌فرمائید.

... البته تاکنون درباره چگونگی این تغییر سیاست پولی آمریکا با پیامدها و ریسک‌های بزرگی که می‌توانست همراه داشته باشد، آنگونه که لازم است بررسی علمی نشده است، اما می‌توان حدس زد که دولت نیکسون با تصمیم خود، بی‌گدار هم به آب نزد و با تکیه به کارشناسی‌های پشت پرده، قبلاً اطمینان حاصل کرده بود که دولت آمریکا قادر به مدیریت این تحول خواهد بود و ما عملاً هم دیدیم که علیرغم آزاد شدن ارزش دلار نسبت به طلا، دلار نقش پول جهانی بودن خود را نه تنها از دست نداد، بلکه عملاً خود را نیز بجای طلا جایگزین پشتوانه پول همه کشورهای زیر چتر سرمایه‌داری کرد.

چنین تحولی توانست به چند دلیل، بدون فروپاشی نظام مالی و پولی جهان انجام پذیرد: اول اینکه همه کشورهایی که در این فاصله، دلار پس‌انداز کرده بودند، چاره دیگری نداشتند به جز اینکه با دلارهای خود، اوراق بهادار دولت آمریکا را بخرند و اقتصاد خود را بیش از پیش به اقتصاد آمریکا و سیاست امپریالیستی آن از طریق به‌دکاری وصل کنند، نداشتند.

دوم اینکه آمریکا برای انجام این کار از نفوذ نظامی خود استفاده نمود و کشورهای زیر چتر نظامی خود را به خرید اوراق بهادار خود تشویق کرد، به طوری که بعد از قطع ارتباط ارزش دلار با طلا، به طور عمده بانکهای مرکزی کشورهایی از قبیل آلمان غربی، ژاپن، تایوان و کره جنوبی که همگی بعد از جنگ جهانی دوم به

امام حسن عسگری (ع):

هر کس دوست و برادر خود را ممرمانه موعظه کند، او را زینت بمشیده و پینانچه (موعظه) علنی باشد سبب ننگ و تضعیف او گشته است.

تحت‌الحمایگی آمریکا در آمده بودند، دلارهای پس‌انداز شده خود را با اوراق بهادار دولت آمریکا تعویض کردند.

سوم و از همه مهمتر این که حجم تجارت نفت که همیشه در سراسر دنیا به دلار انجام می‌شد، با افزایش قیمت نفت از ۲٫۵ به ۱۱ دلار برای هر بشکه در سال ۱۹۷۴، چهار برابر شد و به همین نسبت هم دلار به عنوان پول جهانی در بازار جهانی از کیفیت جدیدی برخوردار شد، زیرا تقاضای همه کشورهای تابع از واردات نفت به دلار افزایش جهشی داشت و بدین منوال دلار در بازار جهانی جایگاهی بدست آورد که عملاً و بدون هیچگونه مسئولیتی، مشابه با قرارداد «برتن وود» به پشتوانه پول همه کشورهای سرمایه‌داری تبدیل گردید.

اما همانطور که توضیح داده خواهد شد، آمریکا مکانیسم جهانشمول کردن فروش نفت به دلار را از راه‌های سیاسی و پشت پرده و با متدهای سلطه‌گری و جنگ‌افروزی تحت کنترل خود در آورد، به ترتیبی که خود به تنهایی و بدون هیچ مسئولیت حقوقی بتواند پول خود را به عنوان پول جهانی، که نقش اصلی آن ارائه خدمات به همه کشورهای است و مانند آب دریا و هوا برای ادامه حیات مورد استفاده کل بشریت است و به همین مناسبت باید از طرف جامعه جهانی کنترل شود، نگهدارد و در این پول به طور دلخواه دخل و تصرف کند.

* نفت‌محوری بجای طلامحوری دلار

این که نفت و تجارت با نفت در بازار جهانی عملاً جایگزین طلامحوری دلار به عنوان پول جهانی شد، احتیاج به توضیح دقیق‌تر، دارد.

همانطور که می‌دانیم، مصرف نفت از هنگام کشف آن در آمریکا و سپس در خاورمیانه و مکزیک به مهمترین منبع انرژی تبدیل شد، به طوری که رشد اقتصادی به مصرف نفت گره خورد و تا اواخر قرن گذشته حتی ضریب رشد آنها هم یکی شد.

علیرغم این که تنوع در منابع و مصرف انرژی در جهان، با گسترش مصرف انرژی‌های نو و تجدیدپذیر زیاد شد و شماری از کشورها به دلیل مضرات آلاینده‌های نفتی و خطرات پیامدهای زیست محیطی و آب و هوایی مصرف انرژی‌های فسیلی، شدت مصرف انرژی را کاهش دادند، نفت همواره عمده‌ترین تک کالا در بازار

جهانیست که اهمیت آن در چند دهه آینده نیز کاهش نخواهد یافت، زیرا نه تنها ارزش آن تاکنون رو به رشد بوده، بلکه از آن مهمتر با افزایش جهش‌وار قیمت نفت از ابتدای قرن جاری، حجم تجارت آن هم افزایش محسوسی داشته است. جدول تصویر دقیقی از سهم نفت در بازار جهانی را ترسیم می‌کند.

البته اگر حجم صادرات گاز طبیعی و تمامی کالاهای نفتی را به حجم صادرات نفت خام اضافه کنیم، سهم نفت و مواد فسیلی در کل حجم صادرات جهانی رقم بزرگتری خواهد بود.

اما سهم خود نفت خام به عنوان مهمترین تک کالای صادراتی نسبت به صادرات جهانی، خود به تنهایی گویای اهمیت تجارت این کالا به دلار برای جهانی بودن این پول است. بدین ترتیب دولتهای آمریکا برغم موقعیت انحصاری و غیرقابل کنترل خود بوسیله جامعه جهانی، همگی قادرند سیاست بدهکاری به دنیا را ادامه دهند و سالیانه مقادیر قابل ملاحظه‌ای از قدرت خرید و سرمایه‌های بقیه کشورهای دنیا را به حوزه دلار و اقتصاد آمریکا انتقال دهند.

البته این روش امپریالیستی چپاول جهان تا زمانی می‌تواند ادامه یابد که در فروش نفت به دلار هیچ‌گونه خدشه‌ای وارد نیاید و شرایطی بوجود نیاید که چند کشور عمده صادرکننده نفت، مشترکاً امکان فروش نفت به سایر پول‌های مهم جهانی از قبیل یورو یا «یوان رنمیبین» را بدست آورند و موقعیت دلار را به عنوان تنها پول جهانی به لرزه در آورند.

* نفت و «پروژه قرن جدید آمریکایی» نئوکان‌ها

با ارزیابی سیاست‌های کشورهای صادرکننده نفت می‌توان ادعا کرد که تاکنون چنین خدشه جدی به تجارت نفت به دلار وارد نشده است.

حتی تهدیدهای صدام حسین، مانند بسیاری از دیگر رفتارهای او حساب نشده بود. جمهوری اسلامی هم تاکنون بطور جدی به دنبال پروژه پریسک فروش نفت به سایر پول‌های جهانی نبوده است، زیرا پرواضح است که چنین تحولی کار یک کشور یا حتی کار چند کشور مهم صادرکننده نفت هم نمی‌تواند باشد.

این در حالیست که کشورهای همسایه ایران یعنی عربستان سعودی، امارات و تمامی اعضای شورای همکاری خلیج فارس، نه تنها جرأت اتخاذ سیاست فروش نفت به سایر پول‌های جهانی را ندارند، بلکه حاکمان این کشورها به لحاظ حمایت نظامی آمریکا از آنها و به لحاظ حفاظت از ثروت‌های کلان خود که در حوزه دلار به کار انداخته شده‌اند، سرسختانه از سیاست‌های پولی آمریکا حمایت می‌کنند و عملاً موجودیت سلطه خود را به منافع و سیاست‌های آمریکا در خاورمیانه گره زده‌اند.

علیرغم محدود بودن نقش کشورهای صادرکننده نفت در خدشه وارد آوردن به دلار آمریکا، در حقیقت نئوکانه‌های وابسته به شبکه صنعتی نظامی و سرمایه‌داری مالی این کشور، از شرایطی وحشت دارند که زمانی اتحادی از کشورهای صادرکننده نفت و مستقل از حوزه نفوذ سیاسی آمریکا، با روسیه و از همه مهمتر با چین با هدف مشترک نقض موقعیت انحصاری دلار به عنوان تنها پول جهانی متحد شوند، بخصوص اینکه چین با رقم نجومی ۱۶ هزار میلیارد دلار، به عنوان بزرگترین طلبکار آمریکا، در محصه بسیار حساسی قرار گرفته است، زیرا این کشور به عنوان قدرتمندترین رقیب آینده آمریکا، در دراز مدت نمی‌تواند تابع پول کشور رقیب خود در بازار جهانی باشد و لذا مجبور است دیر یا زود سیاستی را دنبال نماید که در قبال دلار، حداقل یورو یا علاوه بر آن، پول خود چین نیز به پول جهانی تبدیل شوند.

اما آمریکا زمانی قادر است از اتحاد کشورهای صادرکننده نفت در خاورمیانه با چین جلوگیری کند، که کشورهای نفتی خاورمیانه بدون استثنا زیر چتر نظامی آمریکا قرار گرفته باشند و این گزینه بدین معنی است که اولاً موقعیت نظام‌های سیاسی مسلط در کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس تثبیت شود، دوماً ترکیه در اردوگاه آمریکا و غرب بماند و سوریه و بخصوص ایران نیز با آمریکا همسو گردند. لازم است به متن رسمی پروژه «قرن آمریکایی» نئوکانه‌ها مراجعه کنیم و گزینه‌ای که از دیدگاه اقتصادی موشکافی کردیم را از قلم خود نئوکانه‌ها مرور کنیم...

ادامه دارد

نفرین منابع

(جمهوری اسلامی ۱۴/۱۰/۹۲)

بیماری هلندی تنها یکی از بیماری‌هایی است که در عنوان کلی تری تحت عنوان «پدیده نفرین منابع» فهرست می‌شود.

در حالی که اقتصاد ایران طلایی‌ترین دوران رونق نفتی را پشت سر می‌گذارد دچار یکی از شدیدترین مشکلات اقتصادی طی سالهای پس از جنگ تحمیلی شده است، این تناقض ناشی از چیست؟ سید غلامحسین حسن تاش رئیس اسبق مرکز مطالعات بین‌المللی انرژی و کارشناس اقتصاد انرژی معتقد است برای توضیح این وضعیت به چیزی فراتر از بیماری هلندی نیاز داریم، پدیده‌ای به نام «نفرین منابع» توضیحی جامع‌تر از وضعیت فعلی اقتصاد ایران ارائه می‌دهد که در گفتگویی که با وی انجام داده‌ایم و در ادامه می‌آید به ابعاد مشکلات اقتصادی ایران از منظر ناکارآمدی تخصیص منابع انرژی پرداخته‌ایم.

ایران پیش از این دو دوره افزایش درآمدهای کلان نفتی را پشت سر گذاشته اما همواره دلارهای نفتی صرف سرمایه‌گذارهای غیر مولد و با ثبات شده است. اکنون با بازگشت بهای نفت به بالای ۱۰۰ دلار و آزادسازی دلارهای بلوکه شده ایران، مجدداً به دوران بالای درآمد نفتی بازمی‌گردیم. حالا در دوره جدید برای جلوگیری از هدر رفت این درآمد خدادای چه باید کرد؟

البته خیلی عجله نکنید هنوز خیلی زود است که فکر کنیم همه مسائل حل شده و همه تحریم‌ها برداشته شده، دلارهای بلوکه شده‌ای که آزاد خواهد شد در مقابل بدهی‌ها و تعهداتی که آقای احمدی‌نژاد روی دست دولت گذاشته است ناچیز است، متأسفانه دولت فعلی تا مدت‌ها گروگان آن بدهی‌ها و تعهدات خواهد بود. ضمن اینکه بازگشت ایران به بازار جهانی نفت نیز دشوار خواهد بود هم تولید نفت ایران به این سرعت قابل برگشت به رکوردهای قبلی نیست و هم شرایط بازار جهانی نفت برای این بازگشت دشوار است روندهای جهانی هم نشان می‌دهد که قیمت نفت بشکته‌ای صد دلار برای یکی دو سال آینده خیلی خوشبینانه است و قابل تحقق بنظر نمی‌رسد. اما بهرحال طرح این سؤال و پاسخ به آن خیلی مهم است بدون تعهد به یک برنامه جامع، دستیابی به توسعه اقتصادی که مورد وفاق همه اقتصاددانان باشد و بدون تعهد

ملی دولت و جامعه به تحقق چنین برنامه‌ای و بدون تعهد حکومت و دولت به رعایت مکانیزم‌های ذخیره‌ارزی و درک عمیق از پدیده نفرین منابع، به جایی نمی‌رسیم. در دولتهای گذشته و به خصوص دولت نهم و دهم درآمدهای نفتی صرف سرمایه گذاری‌های بی‌بازگشت و غیر سوده شده که عملاً به خواب سرمایه بدل گشته، برای جلوگیری از تکرار این تجربیات سرمایه‌گذاری در چه بخش‌هایی میتواند مولد و سودآور باشد؟

یکی از مشکلات بزرگ کشور از نظر من بحران بهره‌وری است. بحران بهره‌وری کارائی سرمایه و سرمایه‌گذاری‌ها را از بین می‌برد. بحران بهره‌وری به اعتقاد من از عدم تجانس بین سخت‌افزارها و نرم‌افزارها در سطح ملی ناشی می‌شود. سخت‌افزارها، ماشین‌آلات و تجهیزات هستند و نرم‌افزارها نیروی انسانی ماهر و کارآمد، سازمان و مدیریت کارآمد و اطلاعات و دانش فنی و مطالعات. در سرمایه‌گذاری‌ها باید نرم‌افزارها بر سخت‌افزارها تقدم داشته باشند. نرم‌افزار سرمایه‌گذاری از همان مطالعات بازار و مطالعات فنی اقتصادی و آمایشی شروع می‌شود اگر شما بدون مطالعات کافی و وافی، سرمایه‌گذاری کردید آنهم در جهان پر رقابت امروز، فقط ممکن است شانس و تصادف به یاری‌تان بیاید که موفق شوید و گرنه نتیجه‌اش عدم موفقیت است. بعد از مطالعه نیز باید متناسب با تجهیزات و ماشین‌آلات بر روی نیروی انسانی با مهارت و با انگیزه سرمایه‌گذاری شود و قبل از همه اینها هم مدیریت شایسته و سازمان کارآمد است که همه اینها را تمهید می‌کند. متأسفانه حاکمیت تفکر مهندسی و سخت‌افزاری در اقتصاد کشور در کنار پول نفت که مسئولیت‌ها را کم می‌کند و خطاها را می‌پوشاند، نتیجه‌اش وضعی است که اشاره کردید. برخی از مهندسی‌هایی که دوباره هم به شبکه مدیریت برگشته‌اند، فکر می‌کنند پیشرفت و توسعه صرفاً یعنی آهن و فولاد و برج و بارو هوا کردن و کارخانه نصب کردن بدون توجه به اینکه این برج و بارو هوا کردن در پازل توسعه ملی جایی دارد یا نه؟ زنجیره ارزشش دیده شده است یا نه؟ و قرار است از آن ارزش افزوده‌ای به اقتصاد ملی اضافه شود یا نه؟ تازه اینها خوب‌ها و خوش‌نیت‌ها هستند. هرچه جلوتر آمده‌ایم مشکل دیگری هم اضافه شده است و آن اینکه خیلی از پروژه‌ها بیش از آنکه اصولاً برای کشور و توسعه ملی یا توسعه زیرساخت‌ها تعریف شده باشد برای چرخیدن چرخ کار و زندگی بعضی خواص تعریف می‌شود.

با بررسی وضعیت پروژه‌های عمرانی و سازندگی در سالهای گذشته به این می‌رسیم که نگاه به درآمدهای نفتی صرفاً مصرفی بوده و عقلانیتی در مدیریت کلان این حوزه وجود نداشته، برای تغییر عملیاتی این روند در دولت جدید چه باید کرد؟ متأسفانه تغییر این روند بسیار سخت است مدیریت کشور در چرخه‌ای افتاده است که خروج از آن بسیار دشوار است خصوصاً که همانطور که اشاره کردم منافع بعضی هم با آن گره خورده است. اگر بخواهم مصداقی حرف بزنم می‌توانم همین دو طبقه کردن اتوبان صدر را مثال بیاورم. همه کشورهای عاقل جهان به این نتیجه رسیده‌اند که برای شهرهای بزرگی مانند تهران شبکه حمل و نقل عمومی و خصوصاً زیرزمینی باید گسترش پیدا کند و حداقل این است که به توسعه شبکه زیرزمینی مترو اولویت می‌دهند اما ما به زیر زمین که جلوی چشم کسی هم نیست، منابع تخصیص نمی‌دهیم و به دوطبقه کردن روی زمین اولویت می‌دهیم و آنرا به تابلوی تبلیغاتی هم تبدیل می‌کنیم تا صنعت ورشکسته خودرومان بچرخد، بنزین غیر استاندارد بیشتری دود کنیم و این فاجعه زیست‌محیطی که در زمستان‌ها به اوج می‌رسد را بوجود آوریم و آرامش را از شهر بگیریم و خدا می‌داند با این هزینه‌ها و خصوصاً با عدم‌النفع آن چند کیلومتر از مترو را می‌شد توسعه داد و آرامش و هوای شهر را بهتر کرد و نابودی منابع انرژی را کاهش داد؟ نمیدانم شاید آن شرکت‌هایی که در آنجا کار کردند در زیر زمین نمی‌توانستند کار کنند! البته از اینگونه مسائل در همه بخش‌ها زیاد داریم این فقط یک نمونه بود.

بنابراین همانطور که اشاره کردید درآمدهای نفتی یا صرف مصرف شده یا صرف گسترش مصرف بی‌رویه. نقش واقعی تحریم‌ها در پس رفت اقتصادی ایران در سالهای اخیر چقدر بوده؟ (بسیاری بر این باورند که تحریم‌ها پوششی بر کاستی‌ها و کم‌کاری‌های مدیریتی به شمار می‌رود)

تردیدی نیست که تحریم‌ها بی‌نقش نبوده‌اند اما شاید در بعضی موارد هم نقش مثبت داشته‌اند! در کجا؟ در آنجا که به دلایل تحریم نتوانسته‌ایم یک طرح غیراقتصادی بی‌مطالعه را اجرا کنیم کارکرد مثبت داشته‌اند. اما درعین حال در پروژه‌هایی که درست و ضروری بوده‌اند تحریم‌ها نقش منفی داشته‌اند مثلاً در فازهای مختلف پارس جنوبی که حتماً باید توسعه پیدا کنند و ما سطح تولیدمان را به رقیب قطری برسانیم و حتی جلو بزنیم که تولید انباشتی‌مان هم از او سبقت بگیرد،

خوب تحریم‌ها نقش داشته‌اند و در بعضی موارد ما گرفتار کمبود تجهیزاتی شده‌ایم که به دلیل تحریم نتوانستیم وارد کنیم. اما در همین مثال لطمه‌ای که از سوء مدیریت و بی‌تدبیری خورده‌ایم قطعاً عمده‌تر از تحریم‌ها بوده‌است خصوصاً در دولت نهم و دهم که بدترین رفتار با صنعت نفت شد و منابع توسعه صنعت نفت صرف پرداخت‌های دیگری شد.

این نکته را هم باید اضافه کنم که تحریم‌های بین‌المللی و سیاست‌های اقتصادی دولت نهم و دهم عملاً هر دو تولید ملی را هدف گرفته بودند و نمی‌دانم که این مسئله تا چه حد تصادفی بوده‌است.

جایگاه "برنامه‌ریزی صحیح" و "اولویت‌بندی در تخصیص درآمدهای نفتی" به همراه "مدیریت کارآمد" در هزینه کرد درآمدهای نفتی چیست؟ (به عقیده بسیاری مشکل اصلی ایران پول نیست بلکه نحوه هزینه کرد پول است)

مسئله‌ها همین‌طور است وقتی برنامه‌ریزی صحیح و عقلانی و بر مبنای مطالعه نباشد منابع اتلاف می‌شود و همانطور که اشاره کردم بهره‌وری پائین می‌آید. مثلاً در یک برنامه تلویزیونی که راجع به خشک شدن دریاچه ارومیه بود همه اتفاق نظر داشتند که متوسط بهره‌وری آب کشاورزی در ایران ۳۵ درصد است یعنی ۶۵ درصد هدر می‌رود همین وضع در مصرف انرژی وجود دارد اما ما هیچ برنامه ملی برای ارتقاء راندمان آب و انرژی نداریم ما دائم سد می‌زنیم تا آب را جمع کنیم و رودخانه‌ها و دریاچه‌ها و سفره‌های آب زیرزمینی را خشک کنیم و بعد آب پشت سد را ببریم و ۶۵ درصد آن را تلف کنیم. در صورتی که چه بسا با هزینه‌ای بسیار کمتر از احداث یک سد بتوانیم بهره‌وری آب را برای آزاد کردن همان میزان آبی که برایش سد زده‌ایم، ارتقاء دهیم. مسئله آب جدی‌ترین بحران آینده کشور ما و کل خاورمیانه است. در همه دنیا کلی مطالعه می‌کنند که میزان آب نهائی مصرف شده یا نهفته در تولید هر کالا یا خدمتی چه میزان است و چه میزانه باید باشد (که چندی پیش آقای دکتر مکنون بحث مهمی را در این زمینه تحت عنوان آب مجازی ارائه دادند)، تا بفهمند که با توجه منابع آبی‌شان سراغ چه نوع تولیداتی باید بروند و یا نروند و یا تولیدات فعلی‌شان را چگونه ارتقاء دهند. در انرژی هم همین‌طور است ما دائم نیروگاه جدید می‌زنیم تا برق بیشتری تلف کنیم و پالایشگاه جدید می‌زنیم تا فرآورده بیشتری تلف کنیم در صورتی که با کمتر از آن هزینه، می‌توانیم همان مقدار برق و همان مقدار فرآورده را صرف‌جویی کنیم و آثار اجتماعی و یا به تعبیر اقتصادی، هزینه‌های

فرصت آن اصلاً قابل قیاس نیست. شاخص شدت انرژی ما که نشانگر میزان انرژی مصرفی به ازای هر هزار دلار تولید ناخالص داخلی است شش برابر ژاپن و حدود سه برابر متوسط جهانی است. همه اینها ناشی از بی‌مطالعه عمل کردن و بی‌برنامگی و همان فرهنگ سخت‌افزاری است که به آن اشاره کردم.

به گزارش خبرآنلاین، سیاست‌های اقتصادی درست همواره قربانیان اصلی سیاست‌های پوپولیستی سیاستمداران و تعجیل بر محبوبیت هستند. (مانند پرداخت یارانه) در مقابل زمان کاهش درآمد نفتی به دلیل وجود نظام اداری بدون سیاست اقتصادی صحیح، دولت با خزانه خالی و تعهدات ایجاد شده مواجه می‌شود که در نهایت همگی به نارضایتی شهروندان می‌انجامد. دولت جدید برای رفع حاشیه‌های ناشی از سیاست‌های نادرست اقتصادی دولتهای گذشته و اعمال سیاست‌های اقتصادی درست چه باید بکند؟

بنظر من پوپولیسم در عمل همیشه به معنای فریب‌دادن مردم است. به این معنا که ممکن است همه مردم صلاح بلندمدتشان را ندانند، عاقبت تصمیمات اقتصادی و آثار و تبعات آن را تشخیص ندهند، از ماهی گرفتن خوششان بیاید و نفهمند که خدمت به ایشان در ماهی‌گیری یاد دادن است و نه در ماهی بخشیدن. این حرف من بی‌احترامی به مردم نیست. طبیعی است که همه مردم اقتصاددان و متخصص توسعه نیستند. بنده هم از فیزیولوژی انسان و از پزشکی هیچ‌چیز سرم نمی‌شود اما آیا این جهل من به پزشک و تیم پزشکی و کادر بیمارستانی مجوز می‌دهد که سر من کلاه بگذارند یا به اصطلاح کلاه من را بردارند. همین مسئله در اقتصاد هم هست اگر سیاست‌های درستی را برای توسعه ملی و آینده شغل و زندگی مردم در پیش نگیریم و بجای آن رضایت امروزشان را جلب کردیم این فریب‌کاری است. نتیجه‌ای که می‌خواهم بگیرم این است که قبل از هر چیز ما باید برای مردم و تک‌تک انسان‌ها ارزش و احترام قائل باشیم و بعد باید متخصصین واقعی و درست کار را در مسندهای تصمیم‌گیری بنشانیم. بنظر من دولت باید صادقانه و شجاعانه با مردم صحبت کند و از برگشتن از مسیرهای غلط بیم نداشته باشد مجال باز شدن بحث‌ها و شکافته شدن حقایق اقتصادی و استفاده از دیدگاه‌های مختلف چه برای روشن شدن مردم و چه برای رسیدن به راه درست را بدهد و ارتقاء بهره‌وری و کارائی را سرلوحه اهداف خود قرار دهد. اقتصاد غیر بهره‌وری در دنیای پر رقابت امروز شکستش قطعی است.

برای گریز از رکود اقتصادی ناشی از سیاستهای نادرست نفتی چه باید بکنیم؟

در شرایطی که رکود با تورم همراه می‌شود کار بسیار دشوار است. من خود را ذیصلاح برای ارائه راه‌حل در این مورد نمی‌دانم و فکر می‌کنم که اقتصاددانان بسیار با صلاحیتی داریم که اگر موانع کاذب برای استفاده از دیدگاه‌های آنها را برطرف کنیم و فضای آزاداندیشی و اظهار نظر آزادانه را فراهم کنیم حتما راه حل خواهند داشت. اما من در حد بررسی‌هایی که دارم یک برنامه ملی برای ارتقاء بهره‌وری را چه در کوتاه مدت و چه در بلندمدت ضروری و اثربخش می‌دانم. علاوه بر این باید توجه کنیم که اقتصاد ما یک اقتصاد تجارت مسلک یا تجارت محور است در اقتصاد تجارت محور فعالیت اقتصادی و منافع در پیچیده کردن زنجیره عرضه و دست بدست کردن کالا است و این هزینه‌های مبادلاتی را بالا می‌برد و بالا بودن هزینه‌های مبادلاتی به ضرر تولید عمل می‌کند تجارت‌پیشگان هم همواره یکی از ذینفوذترین گروه‌ها در سیاست‌گذاری‌های اقتصادی بوده و هستند. اگر بخواهیم در تولید جلو برویم باید هزینه‌های مبادلاتی پائین بیاید و ساختار اقتصاد متحول شود و نظام سیاست‌گذاری اقتصادی از چنگ تفکر تجارت محور که منافعش عمدتاً در واردات است، خارج شود. قرار بود ما طبق مصوبه برنامه سوم توسعه با ایجاد حساب ذخیره ارزی، درآمدهای نفتی در جایی غیر از بودجه عمومی مدیریت شود. اگر به این منطق عمل میشد شاید مشکلات بعدی پیش نمی‌آمد. امروز و از این پس با درآمدهای نفتی چه خواهیم کرد و آیا میتوان با توجه به کارنامه دولت قبلی در اجرای پروژه‌ها، به اجرای صحیح قانون‌هایی مثل حساب ذخیره و صندوق ذخیره ارزی دست یافت؟

تجربه جهانی نشان می‌دهد که مکانیزم‌های ذخیره‌ارزی در جاهائی موفق بوده است که برای دست بردن به منابع آن بسیار سخت‌گیرانه عمل شده است. یعنی در نظام تصمیم‌گیری صندوق یا حساب ذخیره‌شان ذینفعان مختلف با منافع مختلف حضور دارند ولذا تنها در مواردی به توافق می‌رسند که منافع ملی و نفع عمومی را تضمین کند. در ایران ما برعکس عمل کرده‌ایم و اتفاقاً دست‌یازی رئیس دولت به منابع صندوق به نظر من عملاً سهل‌تر از بقیه منابع بوده است چون انتخاب مسئولین صندوق در کنترل او بوده است. این باید اصلاح شود ضمن اینکه قانونگرایی و متعهد بودن به قوانین برنامه و بودجه باید تقویت شود دولت قبل عملاً برنامه‌های پنج ساله و بودجه‌های سالانه را نه تنها اجرا نمی‌کرد بلکه به نوعی آن را مضحکه کرده بود.

چگونه میتوان درآمدهای نفتی را از اقتصاد داخلی جدا کرد؟

متأسفانه بودجه‌های جاری کشور چنان وابسته به درآمد نفت است و خصوصاً این وابستگی در هشت سال گذشته تشدید شده است که خروج از این وضعیت ساده نیست و نیازمند یک برنامه بلندمدت است هم مردم و هم نظام برخاسته از مردم باید به این باور برسند که نفت یک درآمد نیست بلکه یک ثروت ملی است یعنی در آمد نفت درآمد آخر ماه مثلاً یک راننده تاکسی نیست بلکه اصل ثروت او یعنی خانه و تاکسی اوست. درآمد را می‌توان صرف خورد و خوراک و مصرف کرد اما کسی ثروتش را نقد نمی‌کند که صرف خورد و خوراک و تفریح کند و تنها وقتی ثروت را نقد می‌کند که بخواهد آن را به یک ثروت بهتر و مولدتر برای کسب درآمد بیشتر تبدیل کند. نفت یک ثروت غیرمولد زیر زمینی است و تنها اگر نقد شود و به ثروت‌های مولد روزمینی در جهت ارتقاء درآمد ملی تبدیل بشود موجه است. متأسفانه ما از این مسیر خیلی فاصله گرفته‌ایم و بنظر من نیاز به حداقل سه برنامه پنج‌ساله قوی توسعه‌ای داریم که به ریل درست برگردیم.

ایران به برکت وجود نفت دچار "اقتصاد نفتی" و "دولت نفتی" شده، چگونه میتوان از رانت نفتی عظیمی که به دنبال قوانین موجود در دولتهای نفتی عاید دولت می‌شود جلوگیری کرد؟

ببینید اولاً ایران تنها کشور نفتی نیست. در بین توسعه‌یافته‌ها یا در حال ظهورها مثل نروژ و مالزی و برزیل و دیگران هم کشورهای نفتی وجود دارند و در هیچ کشوری غیر از ایالات متحده آمریکا که یک استثناء است، نفت متعلق به بخش خصوصی نیست. بنابراین خیلی از دولت‌ها از این رانت طبیعی برخوردارند علاوه بر این نفت تنها رانت طبیعی نیست خیلی کشورها منابع دیگری دارند که در اختیار دولت و به نوعی ملی است و رانت ملی ایجاد می‌کند مثلاً همین نروژ قبل از اینکه از رانت نفت برخوردار شود از رانت چوب و جنگل‌های عظیم برخوردار بوده است حتی گاهی دولت‌ها از رانت‌هایی مثل امتیازات ناشی از سلطه و استعمار برخوردار بوده‌اند یعنی (صرفنظر از جنبه اخلاقی آن) منابع دیگران را چپاول کرده‌اند و به اقتصادشان منتقل کرده‌اند و در سطح دولت‌ها هم بوده است. مثل دولت انگلستان که سالها همین رانت نفت ما را می‌برد و دولت هم بود، درست است که کار با دارسی شروع شد ولی بعد دولت انگلستان سهامش را خرید و صاحب این رانت شد. بنابراین باید بینیم که دیگران چه کار کرده‌اند که این رانت اقتصادشان را تخریب نکرده‌است. گاهی هم

عده‌ای در ایران تزهائی دادند که مثلاً پول یا دلار نفت را مستقیم به مردم بدهیم. خوب آقای احمدی‌نژاد هم همین کار را کرد. بنظر من برای جلوگیری از پدیده نفرین منابع یا اقتصاد رانتیر هیچ راهی وجود ندارد غیر از اینکه در درجه اول دولت‌ها، دولت ملی باشند یعنی برخاسته از متن مردم و منتخب مردم، براساس یک مکانیزم دموکراسی کامل باشند و بعد قانون‌گزاران نمایندگان واقعی مردم باشند و بعد در یک بستر و فرایند دموکراتیک زمینه نقد قدرت و مقابله‌های مدنی فراهم باشد که اگر نمایندگان مردم یا قانون‌گزاران یا دولت‌ها خواستند طبقه ممتاز تشکیل دهند و رانت‌جویی کنند و یا نظام تخصیص منابع را در مسیر مصلحت مردم قرار ندهند، نخبگان بتوانند به سرعت واکنش نشان دهند و مردم را آگاه کنند و مردم جلوی انحرافات را بگیرند. البته در این مسیر هم ممکن است کل مردم خطا کنند و خود را گرفتار پدیده نفرین منابع کنند اما چون این خطا تحمیلی نیست برایشان تجربه و آزمون می‌شود و شانس اصلاح مسیر بسیار بیشتر است.

اساسا نفت کالای توسعه‌ای است یا مخرب؟ و تاثیر رونق نفتی و دلارهای نفتی بر کشورهای نفت خیز چیست؟

فکر می‌کنم در پاسخ‌های قبلی عملاً به این جواب دادم ما اگر بگوئیم نفت تنها مخرب است یعنی اعتراض داریم که خداوند چرا این نعمت را به ما داده است و اعتراض به نعمت خدا منطقی بنظر نمی‌رسد. در این عالم هرچیزی می‌تواند مخرب باشد و می‌تواند عامل رشد و توسعه باشد شما می‌توانید خاک را بخورید و با آن خودکشی کنید یا در آن کشت و زرع کنید و محصول مغذی آن را بخورید می‌توانید در دریا بی‌محابا خود را غرق کنید یا از آن برای رزق و روزی و حمل و نقل استفاده کنید. نفت اگر در کنار عقل و خصوصاً عقلانیت جمعی باشد عامل توسعه می‌تواند باشد و اگر تحت مدیریت غلط باشد عامل تخریب. البته در مثال‌هایی که زدم شدت و ضعف در میزان بعد خطرناک و بعد مثبت هر چیز وجود دارد و هرچه بعد خطرناک آن قوی‌تر باشد برای کنترل این بعد و استفاده از بعد مثبت آن مراقبت و عقلانیت بیشتری لازم است. تیغ در دست کسی مخرب است و همان تیغ در دست دیگری ابزار زیباسازی. نفت هم استثناء نیست. بسیاری از کشورهای نفتی به تجربه فهمیده‌اند که باید خصوصاً در دوره‌های رونق نفتی مواظب آثار مخرب آن باشند و منابع را بیشتر از ظرفیت جذب اقتصادهایشان وارد اقتصاد نکنند ما هم تجربه شوک اول نفتی در سال ۱۳۵۲ و نتیجه نهائی آن را داریم اما نمی‌دانم چقدر درس گرفته‌ایم.

تجربه کشورهای نفت خیز نشان داده که این کشورها همواره دچار زوال اقتصادی هستند. چه کنیم که در دولت جدید و سالهای آتی نفت و دلارهای نفتی به جای بروز ویرانی به شکوفایی در اقتصاد بیانجامند؟

این حکم کلی که شما می‌کنید درست نیست، دولت نروژ یک تجربه موفق از مدیریت درآمدهای نفتی است. حتی بعضی از کشورهای منطقه هم از تجربه شوک‌های اول و دوم نفتی در اقتصادشان درس گرفتند و اینبار یعنی بعد از افزایش قیمت نفت در سال‌های بعد از ۲۰۰۴ میلادی، از آن تجربه استفاده کردند و بسیاری از منابع اضافی نفت را صرف سرمایه‌گذاری در خارج کردند، البته در سال‌های اخیر نگرانی از ورود سونامی موسوم به بهار عربی به مرزهایشان موجب شد که مقداری در داخل پول پخش کنند. به هر حال به نظر من راه‌حل: حاکمیت مردم، قانون‌گرایی و مدیریت و برنامه‌ریزی و بهره‌گیری از تجارب گذشته داخلی و خارجی است.

در دوره سالهای ۸۰ که ایران با افزایش درآمدهای نفتی مواجه شد، اغلب کارشناسان نسبت به بروز بیماری هلندی هشدار دادند. آیا افزایش درآمد نفت در دوران حاضر در کنار آزادسازی دلارهای بلوکه شده، میتواند خطر بروز این پدیده اقتصادی را برای ایران به همراه داشته باشد؟ برای جلوگیری از بروز این پدیده چه باید کرد؟

ببینید بیماری هلندی تنها یکی از بیماری‌هایی است که در عنوان کلی‌تری تحت عنوان "پدیده نفرین منابع" فهرست می‌شود. بیماری هلندی معطوف است به یک عارضه اقتصادی که بعد از کشف گاز در دهه ۱۹۶۰ در کشور هلند رخ داد و دلایل آن شناسائی شد. ورود درآمد گاز صادراتی به اقتصاد هلند موجب تقویت پول ملی نسبت به سایر رقبای اقتصادی این کشور شد و این موجب شد که هلند موقعیت صادراتی خود را از دست بدهد و در تجارت جهانی تولیدات صنعتی از رقبای خود عقب‌ببفتد، بعد با یک وقفه زمانی، همه سرمایه‌های داخلی این کشور بجای تولید کالاهای صادراتی که دیگر قابل رقابت و اقتصادی نبود به سمت ملک و مسکن رفت و موجب رشد کاذب این بخش شد. ما هم بعد از افزایش قیمت نفت پس از سال ۱۳۸۴ شاهد همین مسئله بودیم و قابل پیش‌بینی هم بود البته در مورد ما مشکل پیچیده‌تر است، ما بخش تولیدات صادراتی‌مان قوی نیست بلکه استعداد واردت داریم و دولت نیازمند ریال است و برای تبدیل دلار به ریال، واردات را دامن زد و این لطمه به تولید داخلی را تشدید کرد و به عبارتی متأسفانه سیاست‌ها غلط داخلی بجای اینکه با این پدیده

مقابله کند به تشدید آن کمک کرد. ولی همانطور که اشاره کردم فهرست نفرین منابع محدود به این بیماری نیست اقتصاد ما وضعیت بسیار پیچیده‌ای دارد تولید ملی مان بسیار از مصرف ملی پائین تر است و مابه‌التفاوت این تولید و مصرف به شکل روزافزون با واردات از محل فروش ثروت نفت پر می‌شود و این ما را از مسیر توسعه دور می‌کند. رانت‌جوئی و رانت خواری و فساد اقتصادی گسترش یافته، دولت دائماً بزرگتر و نا کارتر شده و با گسترش خود در کادر یا بخشی که به آن خصولتی گفته می‌شود عملاً امکان نظارت و کنترل بر روی خود را کاهش داده که به نوبه خود موجب گسترش فساد اداری شده است و از همه بدتر مزمن شدن بی‌ثباتی اقتصادی است که مانع تصمیم‌گیری برای سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت مورد نیاز آینده کشور می‌شود. علاوه بر این به سرمایه انسانی و اجتماعی کشور لطمات شدیدی وارد شده است. فائق آمدن بر همه این مشکلات و فائق آمدن بر فشارهای کسانی که منافعیشان در تداوم همین وضعیت است بسیار دشوار است و مستلزم استفاده از آراء همه اقتصاددانان است منطق علمی، هم می‌تواند راه درست را نشان دهد و هم می‌تواند جامعه را آگاه کند و هم تیغ ذینفعان این وضعیت و گروه‌های فشار را کُند بنماید. بنابراین دولت باید در جهت بسط گفتمان علمی اقتصاد تلاش فراوانی بکند. اگر از این مسائل و از بیماری‌ها، غفلت شود رونق مجدد درآمدهای نفتی می‌تواند مشکل ساز باشد و این نگرانی بجائی است.

نکته دیگر این است که درآمد نفت غیر از اینکه خودش رانتی در دست دولت است، در کنار غیر متنوع بودن اقتصاد و سبب صادراتی کشور، موجب بوجود آمدن یک بازار انحصاری ارز تحت کنترل دولت شده است و دولت می‌تواند با بالابردن نرخ ارز درآمد جدیدی برای خود کسب کند و متأسفانه روز به روز اعتیاد دولت به این مابه‌التفاوت‌ها بیشتر شده و این موجب شده است که دولتی که باید پاسدار ارزش پول ملی باشد انگیزه تضعیف آن را داشته باشد.

از یک چیز هم بسیار باید نگران بود و آن این است که اقتصادی که به شدت وابسته به یک عامل برونزا به عنوان درآمد نفت است را می‌توانند با بازی کردن با این عامل برونزا از بیرون اداره کنند، یعنی این احتمال را قویاً باید داد که غربی‌ها اقتصاد ما و سیستم تصمیم‌گیری‌های اقتصادی ما را مدل کرده باشند و بدانند که این قبض و بسط‌های درآمدهای نفتی چه می‌تواند به سر اقتصاد ما بیاورد و از این طریق ما را در

مسیر مورد نظر هدایت کنند و این خطرناک‌ترین توطئه‌ای است که در جهان امروز می‌تواند بر علیه ما مطرح باشد و هشیاری فراوانی را می‌طلبد.

با توجه به تغییر الگوی مصرفی کشورهای هدف صادرات نفت ایران به سمت انرژی‌های تجدیدپذیر، بیم آن می‌رود که در آینده‌ای نه چندان دور، کسب درآمدهای نفتی رو به کاهش رود. بنابراین ایران نیازمند برنامه استراتژیک انرژی است که با توجه به نیاز روز جهان تدوین و اجرایی شود. چه برنامه‌ریزی و نقشه راهی برای آینده اقتصاد انرژی ایران می‌توان ترسیم کرد؟

البته در مورد سهم سوخت‌های تجدیدپذیر نباید دچار اغراق شد. کشورهای صنعتی غرب از نیمه دوم دهه ۱۹۷۰ یعنی چهل و چند سال است که تمام تلاش خود را برای کاهش سهم سوخت‌های فسیلی و افزایش سهم سوخت‌های تجدیدپذیر کرده‌اند و نتیجه‌اش این بوده است که سهم کل انرژی‌های غیرفسیلی در سبد انرژی جهان از 13.4 درصد در سال ۱۹۷۳ به ۱۸.۴ درصد در سال ۲۰۱۱ رسیده که تازه بیشترین رشد آنهم مربوط به نیروی هسته‌ای بوده است و آخرین پیش‌بینی‌ها این است که گرچه این انرژی‌ها در دهه‌های آینده بیشترین رشد را نسبت به سایرین خواهند داشت (۲.۵ درصد در سال) اما حداکثر سهمشان در سبد انرژی جهان به ۲۰ درصد در سال ۲۰۴۰ خواهد رسید. اما صرف‌نظر از این مسئله همانطور که قبلاً گفتم ما هم برای انرژی‌مان نقشه راه درستی نیاز داریم و هم برای قطع وابستگی‌مان از صادرات نفت که انواع زیان‌هایش را تجربه کرده‌ایم.

اگر بخواهیم در بعد کلان به بررسی مدیریت نفتی ایران در ۱۰۰ سال گذشته بپردازیم، نقاط قوت و ضعف (ایرادات و حسن‌ها) مدیریت نفتی ایران چه بوده است؟

متأسفانه ظرف این صد سال ارتباط ارگانیک بین بخش نفت و بقیه پیکره اقتصاد ملی بوجود نیامده است و اگر این اتفاق افتاده بود شاید ما امروز بیش از درآمد نفت صاحب درآمدهای ناشی از فروش کالاها و خدمات بخش نفت بودیم در حالی که متأسفانه هنوز نیازمند واردات آن هستیم. از سوی دیگر وابستگی اقتصادمان به درآمد نفت به تدریج بیشتر شده است و البته در اداره خود صنعت نفت توانائی‌هایی پیدا کرده‌ایم.

در پایان - ایران به عنوان یک کشور مهم نفت خیز، چگونه درآمد نفتی خود را مدیریت کند؟

پاسخ این سؤال را داده‌ام اما در پایان می‌خواهم تاکید کنم که از نظر سلیقه یا دیدگاه علمی اقتصاد، در دوره بعد از جنگ که امکان برنامه‌ریزی فراهم شده است، اقتصاد کشور عمدتاً تحت تاثیر یک تفکر اقتصادی بوده است. تفکر نئوکلاسیک به اندازه کافی امتحان خود را پس داده است. در دوره سازندگی نتیجه رهنمودهای این تفکر بی‌اعتنائی رسمی به مسئله توزیع درآمدی بود که بحران‌های اجتماعی را پدید آورد و عملاً زمینه‌ساز ظهور پوپولیسم در دوره‌های بعدتر شد، موجب تضعیف پول ملی و تشدید اعتیاد دولت به بازی با نرخ ارز و تشدید تورم و کاهش بیشتر بهره‌وری اقتصاد شد و بدنبال این آثار و تبعات بود که حضور این تفکر کم‌رنگ‌تر شد اما حذف نشد. حتی در دولت‌های نهم و دهم و خصوصاً دهم نیز هرچند به دلیل بی‌اخلاقی و بی‌بندوباری در مدیریت اقتصاد، هیچ‌کس آنرا تأیید نمی‌کند اما عملاً جهت‌گیری‌های عمده اقتصادی مبتنی بر همین تفکر بود. همین تفکر بودند که در مورد معضلات انرژی قائل به این بودند که تنها و تنها با افزایش قیمت همه چیز حل می‌شود و قائل به شوک درمانی بودند و در دولت سازندگی را هم نقد می‌کردند که چرا این نشد، خوب آقای احمدی‌نژاد هم همین کار را کرد، همین‌ها بودند که آن روزی که بحث ملحق شدن به سازمان تجارت جهانی مطرح بود، با حمایت از صنایع داخلی موافق نبودند و معتقد بودند که باید همه را یکباره به عرصه رقابت جهانی انداخت تا هر که ناتوان از رقابت است محو شود، خوب آقای احمدی‌نژاد هم با کاهش تعرفه‌ها این کار را کرد. البته خوشوقتانه بعضی از اصحاب این تفکر تا حدودی تعدیل شده‌اند اما باید راه برای عرض اندام تفکرات بدیل اقتصادی هم باز شود. صاحبان آن تفکر زبان مدیران مهندس را خوب بلد بودند و هستند اما علم اقتصاد و اصولاً علوم انسانی بسیار پیچیده‌تر از مهندسی هستند.

«نامه»: «ملاحظه این گفتگو و انطباق پیام‌های آن با بندهای بودجه کل کشور و همچنین با مفاد قانون هدفمندی یارانه‌ها و احتمالاً لایحه اصلاحی مربوط به فاز دوم اجرایی آن توصیه می‌شود.

عرفان‌های نوظهور

(قسمت سوم)

عرفان‌های کاذب که گاه در قالب شیطان‌پرستی در کشور ما نمایان می‌شوند بیشتر از طریق محافل مختلفی مانند چت روم‌ها آغاز به کار می‌کنند زیرا این فرصت‌های اینترنتی یکی از اصلی‌ترین حوزه‌های فعالیت شیطان پرستان برای جذب عضوهای جدید هستند. به طور مثال فرشاد ملقب به "فرشاد عقرب" یکی از جوانان پیرو فرقه منحرف ساتنیسم است. او می‌گوید: در چت روم‌ها با دختران آشنا می‌شدم و پس از فریب دادن آنها کاری می‌کردم تا از خانه فرار کنند و پس از آنکه از خانه فرار می‌کردند آنها را عضو گروه‌های شیطان پرست می‌کردم و به بی‌بندوباری عادت می‌دادم.

شاهین که نام خودش را به "خفاش تاریکی" تغییر داده می‌گوید: در چت روم‌ها با "آتنا عقرب" آشنا شده و به وسیله او به پارتی‌های شبانه دعوت شدم در آنجا انواع و اقسام مشروبات الکلی و مواد روان گردان وجود داشت که همه از آنها استفاده می‌کردند و روابط کاملاً آزاد بود.

فرقه‌ای که یکی از سنت‌های جاری آن خوردن خون یکی از اعضای خانواده است و به هیچ چیز جز اعمال بی‌بندوباری اخلاقی اعتقاد ندارند و به نوعی مقلد شیطانند، اما به راستی چه کسانی به این گروه‌ها روی می‌آورند.

بی‌شک جوانانی که باورها و اعتقادات مذهبی خانواده‌های آنها کم‌رنگ است استعداد بیشتری برای عضویت در این گروه‌ها دارند.

چرا که والدین این جوانان سلامت یک فرد عادی را ندارند و بی‌بندوباری و پایبند نبودن به مسائل دینی و عرفی از ویژگی‌های این جوانان و خانواده‌های آنهاست. همچنین والدینی که اعتقاد به فال و فال‌گیری دارند نیز نوعی فرهنگ خرافه‌گری را به روح فرزندان‌شان تزریق می‌کنند که در نتیجه راه را برای گرایش فرزندان‌شان به گروه‌های منحرف و عرفان‌های کاذب باز می‌کنند.

از سوی دیگر خرافات از نظر اقتصادی تن پروری و بیهوده‌گری را گسترش می‌دهد از منظر اجتماعی نیز موجب ضعف روحیه و امیدواری در جامعه می‌شود و نوعی انفعال را در جامعه تزریق می‌کند.

هر چند تحصیلات کم و آموزش و پرورش ضعیف نیز باعث گسترش خرافات در جامعه می‌شود اما صد افرادی که به خرافات گرایش پیدا می‌کنند کم سواد نیستند. افراد تحصیلکرده‌ای نیز که آگاهی لازم را در این زمینه ندارند موجب افزایش خرافات و گرایش به عرفان‌های کاذب می‌شوند. اما به این مهم باید اشاره کنم که در میان تمام عوامل فرهنگی نمی‌توانیم به حل این مشکل در آینده‌ای نزدیک امیدوار باشیم زیرا خرافه و خرافه‌پرستی از قدیم الایام بوده و هست و به این زودی رفع نمی‌شود. بلکه باید پایه‌های دینی را در جامعه مستحکم‌تر کنیم و به ترویج داشته‌های دینی تأکیدی خوشایند داشته باشیم تا جوانان به سمت و سوی عرفان‌های کاذب سوق نیابند.

زکام سیاسی

(جمهوری اسلامی - ۹۲/۱۰/۲۸)

دکتر علی مطهری نماینده تهران در مجلس شورای اسلامی طی نامه‌ای سرگشاده به اظهارات اخیر محمدجواد لاریجانی در برنامه شناسنامه پاسخ گفت. متن این نامه به شرح زیر است:

"جناب آقای دکتر محمدجواد لاریجانی"

با اهداء سلام

در برنامه اخیر شناسنامه در شبکه ۳ سیما مطالبی را در جواب نطق اینجانب در مجلس فرمودید که لازم است پاسخ داده شود:

۱. گفته‌اید "این نماینده محترم، فتنه را در حد یک دعوای داخلی می‌داند که این درست نیست. ماهیت فتنه یک کودتای تمام‌عیار علیه نظام بود که با مشارکت وسیع آمریکا، دول اروپایی، رژیم صهیونیستی و تمام ضد انقلاب همراه بود." بهتر بود این طور می‌فرمودید که اعتراض مدنی به نتیجه انتخابات در سال ۸۸ را ما با مدیریت ضعیف خود و به دلیل به رسمیت نشناختن مقوله اعتراض مدنی، تبدیل به فتنه کردیم، آنگاه برای جمع کردن این ماجرا آن را به صورت یک کودتای تمام‌عیار علیه نظام جلوه دادیم و سپس از هر وسیله‌ای برای اثبات این ادعای خود استفاده کردیم. با پدید آمدن این زمینه که همه با هم آفریدیم البته آمریکا، دول اروپایی، رژیم صهیونیستی و تمام ضد انقلاب پشت سر معترضان قرار گرفتند، همان طور که ما در حد خود پشت سر حرکت‌های اعتراضی در آن کشورها قرار می‌گیریم.

۲. فرموده‌اید: "کسی که وارد انتخابات می‌شود متعهد به رعایت قوانین انتخابات است. وقتی این اتفاق نمی‌افتد و قبل از پایان انتخابات یکی از نامزدها مصاحبه می‌کند و می‌گوید من رئیس‌جمهور منتخب هستم یک جرم بزرگ اتفاق افتاده است." بله، یک جرم بزرگ اتفاق افتاده است ولی توجه به یک جرم بدون توجه به جرم‌هایی که مقدمه این جرم بوده و توسط طرف مقابل انجام شده است و اگر

امام خمینی (ره):

انقلاب اصیل و عظیم الهی‌ما، جلوه‌ای از نهضت پر عظمت
مضرت (رسول خدا ص) است.

انجام نمی‌شد این جرم بزرگ نیز اتفاق نمی‌افتاد، به دور از عدالت و انصاف است. از شما سؤال می‌کنم؛ اگر از چند ماه قبل از انتخابات سال ۸۸ بسیاری از اعضای شورای نگهبان که داور محسوب می‌شدند از یک کاندیدا حمایت نمی‌کردند، اگر بعد از مناظره کذایی عکس‌العمل مناسب از طرف مراجع قانونی مانند شورای نگهبان نشان داده می‌شد یا لااقل اجازه دفاع به هتک حرمت‌شدگان در صدا و سیما داده می‌شد، اگر بعد از شروع اعتراضات، به جای برگزاری جشن ملی برای کاندیدای پیروز، مسئله به اعلام نظر شورای نگهبان موکول می‌شد، اگر خبرگزاری وابسته به یک نهاد حکومتی ساعت ۱۸ و ۳۰ دقیقه روز انتخابات آقای احمدی‌نژاد را به عنوان پیروز انتخابات با ۶۰ درصد آراء اعلام نمی‌کرد و چندین اگر دیگر، آیا در این صورت آن جرم بزرگ اتفاق می‌افتاد؟ پس ما خودمان آقای موسوی را به آن سمت هل دادیم. البته ایشان نباید تحت تاثیر آن فشارها و بی‌عدالتی‌ها اعلام پیروزی می‌کرد و به هر حال باید قانون را ملاک قرار می‌داد و فرضاً حق با او بود مصلحت انقلاب و نظام اسلامی را بر حق خود مقدم می‌داشت، چنانکه علی‌علیه‌السلام مصلحت وحدت مسلمین و حفظ اسلام را بر حق خود مقدم داشت، ولی تحمل انسان‌ها متفاوت است.

جناب آقای محمد جواد لاریجانی؛

به نظر می‌رسد که جناب عالی در قضاوت درباره فتنه ۸۸ تجاهل و تغافل می‌فرمایید. این بدیهیات را می‌دانید و خود را به ندانستن و غفلت می‌زنید و نام آن را "بصیرت" می‌گذارید. یا به قول خودتان هوا سرد است و دچار زکام سیاسی شده‌اید. ۳. گفته‌اید "آقای مطهری گفت چرا رئیس قوه قضائیه فتنه را ختم نمی‌کند. این در حالی است که فتنه ختم شد و در ۹ دی مهر پایان هم به آن زده شد." می‌پرسم اگر فتنه ختم شده است چرا در ایام ۹ دی امسال همفکران شما در رسانه ملی و رسانه‌های همسو این همه جنجال و آسمان ریسمان کردند که حق با ما بود؟ معلوم است خودتان هم احساس می‌کنید که مردم همه آنچه را که به طور یک‌طرفه در این چهار سال گفته‌اید نپذیرفته‌اند. اگر فتنه ختم شده است چرا این قدر درباره آن سخن می‌گویید؟! سؤال می‌کنم اگر فتنه ختم شده است حکم

مجازات آقایان موسوی و کروی و احمدی‌نژاد چیست و در کدام دادگاه صالح صادر شده است؟ بنابراین تکلیف فتنه مانند تکلیف بخشی از زمین‌های کشاورزی و دامداری شما برای مردم مشخص نیست و هنوز حکم آن اعلام نشده است.

اصل حرف من در نطق اخیر این بود که اگر قرار بر گذشت طرفی از تخلفات و خطاهای یکدیگر نیست، این سه نفر به طور همزمان در یک دادگاه صالح محاکمه علنی شوند، آنگاه هر حکمی صادر شود مورد اعتراض نخواهد بود چون آنها از خود دفاع کرده و حرف خود را زده‌اند ولی وضعیت فعلی عادلانه و قابل دوام نیست و باید به فکر حل مسئله و بازگشت وحدت به جامعه بود.

کسانی که زحمتی برای انقلاب نکشیده‌اند یا لااقل شاهد زحمات انقلابیون اولیه از سال ۴۲ تا پیروزی انقلاب اسلامی نبوده‌اند، اهمیت حل این مسئله را برای آینده انقلاب اسلامی درک نمی‌کنند و بر طبل تفرقه و حذف نیروهای انقلاب می‌کوبند و دائم دایره انقلاب را محدود می‌کنند. نباید این نثار و انشقاق ناخواسته و تحمیلی ادامه پیدا کند. باید ید واحد شویم و وحدت ملی را پشتوانه‌ای برای مذاکرات هسته‌ای و حل مشکلات اقتصادی قرار دهیم.

دل‌بستگان به انقلاب اسلامی نمی‌توانند نسبت به حل مسئله فتنه و بازگشت وحدت به جامعه بی‌تفاوت باشند. اینجانب به عنوان نماینده ملت در مجلس و فرزند شهید آیت‌الله مطهری به طریق اولی نمی‌توانم بی‌تفاوت باشم، لذا ارائه طریق می‌کنم و البته تصمیم نهایی با مقامات عالی نظام و در رأس آنها رهبر گرامی انقلاب است. امام علی علیه‌السلام درباره مسئله‌ای به ابن عباس فرمود: "بر تو است که رأی خود را به من بگویی و من درباره آن بیندیشم، آنگاه اگر خلاف نظر تو فرمان دادم باید اطاعت کنی." همه ما باید همین حالت را داشته باشیم.

۹- ما گفت وگوهای جدی و عمیقی را با فرماندهان ارتش مصر انجام دادیم، مواضع ارتش مصر روشن و قاطع بود، آنها می گفتند که از حوادثی که رخ می دهد خود را کنار نخواهند کشید و ارتش حتی یک سنگ ریزه علیه تظاهرکنندگان در خیابان استفاده نخواهد کرد، ارتش در قبال این بحران موضع بی طرفانه ای اتخاذ کرد و احساس کردیم که فرماندهان ارتش به حرکت موجود در خیابان ها و افکار عمومی مصر منعطف شده اند. طرح ها و گفت وگوهایمان را با مبارک و نظام او پیگیری کردیم و در ابتدا می توانستیم بحران را آرام کنیم و از آن خارج شویم اما دیدیم که مبارک خودش اقداماتی انجام می دهد که چالش برانگیز است، تا آن اندازه که ما تبدیل به کانال ارتباطی مبارک با ارتش در مصر شدیم به گونه ای که فرماندهان مصر از سیاست های مبارک سرخورده شده و از او ابراز انزجار می کردند. جناب پادشاه این را به شما بگویم که در دیداری که در وزارت دفاع انجام شد، هیئت امریکایی به دیدار الطنطاوی و عنان رفت و به اطلاع آنها رساند که مبارک باید بسیار بسیار چیزها را بدهد و باید فرصت ها را قبل از آن که از دست بروند، دریابد، افکار عمومی و شارع مصر همگی علیه مبارک متحد هستند، افکار عمومی مصری دو گروه نیستند که بگوییم یک گروه با مبارک است و گروهی دیگر علیه او که زمینه دخالت ارتش را مهیا می کند، ارتش مصر تنها زمانی می تواند راه میانه را در پیش بگیرد که یک گروه علیه گروه دیگر باشد در حالی که متأسفانه افکار عمومی مصر یکپارچه علیه مبارک بودند. تلاش کردیم که فرماندهان ارتش و سازمان های امنیتی برخی تصمیم ها را برای کاهش آن چه نزد افکار عمومی رخ می دهد، اتخاذ کنند، اما فرماندهان ارتش همه پیشنهادها را رد کردند و گفتند که توپ الآن در زمین رئیس جمهور مبارک است و اوست که باید کوتاه بیاید. ما دیدارهای تنگاتنگی با همه مراکز قدرت در مصر داشتیم بدون این که از روند حوادث عقب بیفتیم و هر مرتبه نیز به سراغ رئیس جمهور اوباما می آمدیم تا در مواقعی معین خودش دخالت کند اما متأسفانه احساس کردیم که رئیس جمهور مبارک به ما جواب نمی دهد، بلکه بر عکس با ما دشمن شده است و برخی افراد به ویژه اطرافیان و بعضی افرادی که از این نظام سود می بردند او را علیه ما تحریک می کردند. مبارک بر سر برخی مواضع محدود با ما به توافق می رسید اما تحت فشار نزدیکان و افراد فاسد دور و برش به سرعت زیر توافقاتش می زد، آنها نمی خواستند که او کوچکترین امتیازی بدهد چرا که می گفتند هر گونه تحرکی به مثابه سرعت بخشیدن به پایان همه چیز است و

گفت وگویی «کری» و «ملک عبدالله»

(جمهوری اسلامی - ۹۲/۹/۳۰ - قسمت دوم و پایانی)

اشاره: سخنان ملک عبدالله طی ۶ بنددر شماره قبلی درج شد و بند هفتم نیز به تعارفات از میزبانی و پذیرائی شاه عربستان از وزیر امور خارجه آمریکا توسط «آقای کری» مطالبی مطرح شد و در این شماره نظرات وی در برابر سخنان ملک عبدالله را ملاحظه می نماید.

۸- از ابتدا آغاز کنیم، موضعی که شما تشریح کردید و گفتید گویی که نشان از تغییری در مواضع ایالات متحده در قبال هم پیمانان ما رخ داده ابدا صحیح نیست. جناب پادشاه ما از همان ابتدا طرفی اساسی با حکومت مبارک بودیم. خانم کلینتون که قبل از من وزیر بود، شما را لحظه به لحظه در جریان می گذاشت، ما نه حمایتان را از مبارک قطع کردیم و نه آن طور که شما گفتید، او را فروختیم. وقتی که حوادث مصر شروع شدند، همه برآوردهایی که از دولت مصر به ما می رسید حاکی از کم اهمیت جلوه دادن حوادث بود، در این گزارش ها ما را به یاد حوادث انتفاضه ۷۸-۷۹ دوران سادات و این که چگونه مصر توانست آن حوادث را به سرعت آرام کند، می انداختند.

ما از تلاش های مصر تقدیر و آنها را ستایش کردیم و به آنها پیشنهاد دادیم که از قلع و قمع بکاهید و به حداقل مطالبات مطرح شده تا آن جا که ممکن است پاسخ دهید، به طور تصادفی ژنرال سامی عنان، رئیس سابق ستاد ارتش مصر به دیدن ما آمد و با او به گفت وگو نشستیم و به او پیشنهادهایی برای سرعت بخشیدن خروج مصر از بحران دادیم. وقتی که عنان مصر را ترک کرد به همراه او هیئت امریکایی بزرگی متشکل از فرماندهان پنتاگون و کارشناسان وزارت امور خارجه و سی آی ای رفتند تا در پایان دادن به بحران به دولت مصر کمک کنند، گفتیم باید مقر این هیئت قاهره باشد تا از نزدیک حوادث را دنبال کند. هیئت امریکایی به مصر رفت تا به حکومت آن کمک کند، ما از طریق این هیئت به رئیس جمهور مبارک و دولت او روز به روز و ساعت به ساعت و دقیقه به دقیقه پیشنهادهایی را می دادیم و او را برای چگونگی خروج از تگنا توجیه می کردیم اما مبارک در ابتدای امر به ما جواب می داد اما بعد از چند ساعت از توافقی که با او می کردیم شانه خالی می کرد.

نباید هر گونه امتیازی داده شود. قضیه انتخاب عمر سلیمان به عنوان معاون رئیس جمهور را مدت‌ها پیش به او پیشنهاد دادیم، وقتی که در آلمان تحت عمل جراحی قرار گرفت و وضعیت جسمانی اش مناسب نبود، گفتیم که این کار را حتماً انجام دهد. در ابتدا مبارک پیشنهاد ما را پذیرفت و گفت که به محض این که برگردد و درمان شود این کار را انجام می‌دهد اما هر بار پشت گوش انداخت و فرصت‌ها را از دست داد. بارها با رئیس جمهور اوباما و خانم کلینتون توافق کرد و ما هر بار منتظر انجام توافقی که شده بود، بودیم اما هر بار می‌دیدیم که او خلاف توافقات عمل می‌کند، در طول این مدت ما دائماً در تماس مستقیم با فرماندهان ارتش بودیم.

۱۰- خلاصه این که همه با هم از آن وضعیت مصر خارج شدیم و فرماندهان ارتش نیز با ما همراه بودند. مبارک عاجز و ناتوان از اتخاذ هر گونه تصمیمی بود و این اطرافیان‌ش بودند که برایش تصمیم می‌گرفتند، برای همین وقتی که این وضعیت را دیدیم کاخ سفید تصمیم گرفت که با حوادث و حرکت شارع در مصر مواضعش را هماهنگ کند. همه ما اصرار داشتیم که مصر کنترل خود را از دست ندهد و این امری خطرناک بود و این مساله سبب شد تا به سراغ نظرات فرماندهان ارتش برویم، ما تصمیم گیر نبودیم و اوضاع را ما مدیریت نمی‌کریم، با فرماندهان ارتش بر سر سلسله طرح‌هایی به توافق رسیدیم که از تعیین عمر سلیمان به عنوان رئیس جمهور آغاز می‌شد و بر تشکیل دولت قدرتمند و شامل و جامع تاکید داشت. لازم بود همه این برنامه‌ها توسط مبارک اجرا می‌شد نه ما. این اطرافیان مبارک بودند که مانع از این کار می‌شدند، آنها بر روی زمان حساب کرده بودند، می‌گفتند اینها ابرهای زودگذری است که خیلی زود سپری می‌شوند و در حال و هوای آن چه نزد افکار عمومی مصر رخ می‌داد، نبودند، دائماً هم ما در مظان اتهام آنها بودیم، جناب پادشاه شما تصور کنید که چنین وضعیتی پیش آمده است و مبارک شخصا به وعده‌هایی که به شما داده است، عمل نمی‌کند، در این صورت چه می‌کنید؟ جناب پادشاه شما خودتان را جای ما بگذارید وقتی که می‌بینید که ارتش مصر و فرماندهان آن سیاست‌های مبارک را رد می‌کنند و با افکار عمومی مصر منعطف شده‌اند، انتظار دارید که چه کار کنیم؟ آیا شما از ما می‌خواهید که کماندوهایمان را به خیابان‌های قاهره بیاوریم و با ملت مصر بجنگند، آیا چنین کاری عاقلانه است؟ جناب پادشاه پیام ما روشن است ما همواره با دموکراسی و آزادی‌های مردمی هستیم، هر چه مردم انتخاب کنند از آن حمایت می‌کنیم، ما از انتخاب ملت مصر و رهبران آن استقبال

کردیم و بر آن پافشاری کردیم، این ایدئولوژی، فرهنگ و زندگی ماست که همواره در امریکا دنبال کرده ایم و از دیگران می‌خواهیم در هر حالتی آن را پیگیری کنند و ادامه دهند.

۱۱- ما با اخوان المسلمین مصر همراه نشدیم مگر زمانی که ملت مصر با آنها همراه شدند، مخفی نمی‌کنیم که روابط ما با اخوان از دهه نود قرن گذشته آغاز شد و توسعه یافت. ما دنبال ایجاد اسلام سیاسی معتدل در واکنش به نیروهای تروریستی در منطقه بودیم و ما معتقد بودیم و همچنان هم بر این اعتقادیم که اخوان المسلمین یک جریان معتدل اسلامی است که می‌توانند از تندروهای اسلام‌گرایان تروریست پیشی بگیرند، اکنون با تعجب می‌بینم که شما از این رابطه ما با اخوان المسلمین شوکه شده‌اید در حالی که از ابتدا از طرح ما آگاه بودید. جناب پادشاه، مبارک برای امریکا با اهمیت‌تر از شاه ایران نبود، وقتی که شاه ایران قدرت خود را از دست داد و حمایت افکار عمومی و مردم ایران را از دست داد ارتش ما به کمک او به ایران نرفت تا او را حفظ کند در حالی که می‌دانستیم بدیل آن در ایران دشمن ایالات متحده خواهد بود و به اسرائیل هشدار می‌دادیم که حمایت نظامی و امنیتی از شاه نکند، به آنها می‌گفتیم زمان شاه سپری شد و لازم است که شما آن دوران را پشت سر بگذارید. اسرائیلی‌ها حرف ما را گوش نکردند برای همین وقتی که انقلاب ایران به وقوع پیوست بعد از شاه علیه اسرائیل شد برای این که ذاتاً خود را درگیر افکار عمومی ایران کرد، ما این کار را نکردیم ما در کشورها علیه مردم آن کشورها برنخواستیم، همه ما باید درک کنیم که این روزها می‌گذرند.

۱۲- اجازه بدهید جناب پادشاه به همراه شما وارد پرونده سوریه شویم، از ابتدا از انقلاب سوریه حمایت کردیم و با رهبران آن دیدار کردیم، به بشار اسد گفتیم که برود و از مخالفان او حمایت کردیم، ما واقعا دوست داشتیم که معارضه و مخالفان در کوچه‌ها و خیابان‌ها باشند نه در کوه‌ها و دره‌ها. اما چه کسی عجله کرد و گفت که حکومت به زودی فرو می‌پاشد. با وجود این که نظر ما مخالف نظر شما بود، با نظرتان مخالفت نکردیم. با قدرت از مخالفان حمایت کردیم و به آنها سلاح دادیم و به آنها همه گونه فشار آوردیم تا با یکدیگر توافق کنند و به وحدت برسند هم زمان به حکومت سوریه نیز فشار آوردیم و تلاش کردیم که آن را منزوی کنیم، همه اینها برای حمایت از مخالفان سوریه بود. اما آنچه به سوریه ضرر زد افزایش آشپزهای بحران سوریه بود، وقتی که دست پخت خراب شد همه چیز به هم ریخت، آن طور

که خودتان هم می گویند، همه شدند رهبران مخالفان سوریه، هر کس برای خودش تصمیمی گرفت و هر کس برای خودش گروهی تشکیل داد اما متأسفانه همه با هم می جنگند. ما بر وحدت همگان اصرار داشتیم اما متأسفانه تلاش‌های ما شکست خورد، قطر فرمانده مخالفان شد، ترکیه هم همین طور، بعضی از شما هم همین طور، اسرائیل دماغش را بالا گرفت و به نظر ما در قبال سوریه توجه نکرد، اما با این حال قبول کرد که سکوت کند و کاری از پیش نبرد و فعلاً هم توانسته است که از پس مشکلاتش در سوریه بر آید.

۱۳- از همان ابتدا به شما هشدار دادیم که ارتش سوریه در کنار حکومت است و نمی توان کودتای نظامی کرد ولی کسی به حرف ما گوش نکرد، علی رغم بی میلی ما به کودتای نظامی سر این مساله هم کمک های لازم را کردیم و مشاوره هایمان را دادیم، همیشه می گفتیم که مهمترین مسائلی که یک کشور را از بین می برد یا نگه می دارد، ارتش آن کشور است، از شما می پرسیم ارتش سوریه در حال حاضر در کدام طرف ایستاده است. همه می دانستیم که حکومت بشار اسد با فرماندهان ارتش محصور شده و ایجاد شکاف در آنها بسیار سخت است اما برخی ها به ما اطلاعات اشتباه می دادند و می گفتند که ارتش اعتمادش را به بشار از دست خواهد داد، فقط مساله چند روز است و بعضی حتی صحبت از چند ساعت زدند.

۱۴- جناب پادشاه برایتان قصه ای را می گویم که یک بار برای ما اتفاق افتاد، امیر سابق قطر یک بار با عجله با ما تماس گرفت و از ما خواست که با رئیس جمهور او با تلفنی صحبت کند، گفت که اطلاعات مهمی دارد که باید فوراً به اطلاع او برساند، زمان نیمه شب به وقت ایالات متحده بود و رئیس جمهور خوابیده بود، پافشاری امیر قطر برای صحبت کردن با رئیس جمهور باعث شد تا مشاورانش او را از خواب بیدار کنند. امیر قطر این خبر را به اطلاع رئیس جمهور او با رساند که: ریاض حجاب، نخست وزیر سوریه تا چند ساعت دیگر به دفتر نخست وزیر می رود تا با برگزاری کنفرانسی مطبوعاتی جدایی خود را از حکومت اسد و حمایت از انقلاب را اعلام کند، این در حالی بود که هم زمان ارتش سوریه در حال پیشروی و تصرف مناطق از دست رفته به ویژه در شهرهای بزرگ بود. او گفت که توافقی میان فرماندهان ارتش و فرماندهان انقلاب حاصل شده که به بشار اسد پیام و فرصت دهند تا فلان قدر زمان در اختیار دارد و می تواند سوریه را ترک کند، ما قطری ها اصرار داریم این اتفاق بیفتد برای این که بعضی ها در سوریه خواستار دستگیری و کشتن

رئیس جمهور هستند و نمی خواهند که او سوریه را ترک کند. امیر قطر همچنین به رئیس جمهور او با گفت که همه اینها اتفاق خواهد افتاد و فقط چند ساعت زمان می برد.

رئیس جمهور او با مشاورانش را صدا زد و موضوع را با آنها در میان گذاشت و از آنها خواست که تیم تلویزیونی مستقر در ترکیه فوراً دست به کار شده و به سوریه برود و همراه با حوادث در آن جا باشد. اما ساعت ها و ساعت ها منتظر شدیم اما هیچ اتفاقی در سوریه نیفتاد تا این که در ساعت های پایانی شب ناگهان اردنی ها از ما خواستند که از طریق ماهواره پیگیری کنیم که ریاض حجاب کجاست، اردنی ها به ما گفتند که او در حال آمدن نزد آنها است اما هنوز نرسیده و ممکن است دستگیر یا کشته شده باشد، بعد از چند ساعت مشخص شد که ریاض حجاب از خاک سوریه خارج شده و وارد خاک اردن شده در حالی که لباس زنانه پوشیده است، این همه چیزی بود که اتفاق افتاد، جناب پادشاه. آیا جناب پادشاه می دانید که قطری ها قبل از آن که این مساله را به ما بگویند به اسرائیلی ها گفته بودند، آیا به شما چیزی گفته بودند؟ ما با اردن تماس گرفتیم تا ببینیم حقیقت ماجرا چیست، اردنی ها به ما گفتند که از این موضوع خبر ندارند و هیچ تغییری مهمی در سوریه و حرکت ارتش آن مشاهده نکرده اند. این همه چیزی است که در سوریه می افتد، جناب پادشاه، سوریه با رویاهای رنگین و تخیلات و توهمات از دست رفت و بزرگترین بازنده نیز تا الآن ملت سوریه بوده است.

۱۵- جناب پادشاه وارد جزئیات مهم این موضوع هم بشویم، امیر بندر به ما اطلاع داد که مثل قطر نیست و از ما دو یا سه ماه فرصت خواست تا به بحران سوریه پایان دهد، به او این فرصت را دادیم و تسهیلات در اختیارش قرار دادیم و همه متحدانمان را برایش بسیج کردیم، در حالی که خوب می دانستیم که غیرممکن است که او هم بتواند کاری کند. اطلاعات و تحقیقات ما نشان می دهد که قدرت بشار اسد روز به روز بیشتر می شود و اعتماد دیگران را روز به روز بیشتر جلب می کند.

۱۶- مساله در مصر دقیقاً همان چیزی نیست که در سوریه است. ملت مصر همگی علیه مبارک بودند و ارتش هم پشت او را خالی کرد، اما اوضاع در سوریه کاملاً فرق می کند، بشار طرفداران پر و پا قرصی دارد و اکثریت رهبران سوریه با او هستند و نزد مردم و افکار عمومی سوریه صاحب وزنه و قدرتی است، همچنین هم پیمانان منطقه ای و بین المللی ای دارد که به هیچ وجه قصد رها کردن او را ندارند برای این

که از خودشان دفاع می کنند. جناب پادشاه لازم است که واقعیت را آن طور که هست ببینید، ما بیشتر از شما دشمن حکومت بشار اسد هستیم اما ما واقعیت را می بینیم و لازم است که روزی نرسد که بخواهیم صدها نفر از ملت سوری را بدون فکر قربانی کنیم. آن چه که از راه نظامی نتوانستیم به دست آوریم باید از راه مذاکره به دست آوریم و همه ما هم به دنبال آن هستیم، جناب پادشاه نشست ژنو برگزار خواهد شد چه شما شرکت کنید چه شرکت نکنید اما تاکید می کنم که حضور شما مهم است و می تواند عنصری فعال در کاهش دستاوردهای حکومت اسد باشد.

۱۷- همه در دنیا بر اهمیت نشست ژنو ۲ واقف هستند و من الآن می گویم که دو یا سه ماه تا زمان برگزاری آن کنفرانس فرصت دارید که هر کار خواستید بکنید، اگر نتوانستید چیزی به دست آورید خوب این اتفاق بزرگی است، ما می خواهیم بشار اسد در حالی به ژنو ۲ برسد که شکست خورده و از پا در آمده باشد اما ژنو ۲ باید برگزار شود.

۱۸- جناب پادشاه اجماعی نزد ما در سیاست امریکا در حال حاضر حاصل شده و آن دوری از کشتار در هر جای ممکن است و استفاده از دیپلماسی و گفت و گو تا آن جا که می شود برای رسیدن به راه حل ها است. ما با ایران هم گفت و گو می کنیم و با آن به توافق خواهیم رسید و به شما هم بگویم که توافق با ایران تقریباً آماده است و مصالح عربستان و کشورهای عربی حوزه خلیج فارس نیز در ضمن این گفت و گوها و در چارچوب این توافقات است و لازم است که شما شریک آن چه در منطقه می افتد، باشید، بر روی تخیلات عده ای حساب نکنید، قطار راه خودش را می رود و هیچ قدرتی هم نمی تواند جلوی رفتنش را بگیرد. از شما خواهش می کنم که به توصیه های ما گوش کنید دیگر تصمیم آخر با شما است. در پایان از میهمانی دست و دلپازانه شما سپاسگذارم و جناب پادشاه مراتب احترام و تقدیر ما در کاخ سفید و رئیس جمهور اوپاما را پذیرا باشید، در تماس دائم با شما خواهیم ماند.

صور تجلسه کانون حزب تمدن اسلامی

مورخ ۹۲/۱۰/۷

کانون حزب تمدن اسلامی روز شنبه ۹۲/۱۰/۷ با حضور جمعی از اعضاء و شورای مرکزی در دفتر مرکزی حزب تشکیل گردید.

پس از تلاوت آیاتی چند از کلام... مجید و ترجمه و شرح آیات مذکور، مطالب ذیل مطرح گردید.

- ایمان و عمل صالح است که انسان را نجات می دهد.
 - اربعین حسینی (ع) و شهادت رسول خدا و امام حسن (ع) و امام رضا (ع) تسلیت عرض گردید.
 - وفات آقایان مرحوم عسگر اولادی، پرورش و مهندس رهبری که از اعضای حزب جمهوری اسلامی بودند به همه عزیزان تسلیت عرض گردید و خاطراتی از عزیزان به جمع ارائه گردید.
 - قرار شد جلسات که تاکنون شنبه آخر هر ماه تشکیل می گردید به اولین شنبه هر ماه منتقل گردد.
 - در خصوص جریانات عراق اخبار مربوطه به اعضاء ارائه گردید.
 - در خصوص انرژی اتمی و معاهده NPT و موضوع نسل جدید ساترئیوژها و توسعه و تحقیق در این خصوص توضیح داده شد.
 - در ترکیه نیز امریکا خواهان تحت فشار قرار دادن اردوغان است.
 - جلسه پرسش و پاسخ برگزار گردید و در خصوص وزارت صنایع و معادن، نحوه کارکرد آن مباحثی مطرح گردید.
 - در خصوص فعالیت حزبی نیز توضیح داده شد که باید اهمیت بیشتری قائل شویم.
- جلسه با ذکر صلوات بر محمد و آل محمد(ص) خاتمه یافت.

آیت اله بهجت:

کسی که بداند در مضمون خدا است، نمی تواند گناه کند، تمام انحرافات ما از این است که خدا را ناظر و شاهد نمی بینیم.

اخبار ویژه

کشور فرار کرده و ۱/۳ میلیون نفر مهاجرت و ۴/۸ میلیون نفر در درون کشور سوریه آواره‌اند. در این گزارش به ۸ میلیون نفر زیر خط فقر که ۴/۴ میلیون نفر در فقر مطلق و نرخ بیکاری با ۴۳ درصد ۲/۳ میلیون نفر در مدت ۱۰۰۰ روز درگیری و جنگ داخلی و تحمیلی غرب و صهیونیست‌ها و کشورهای عرب مسلمان، شغل خود را از دست داده‌اند. و زندگی ۱۰ میلیون نفر در خطر قرار گرفته است. در نیمه سال ۲۰۱۳ مرگ و میر ناشی از درگیری نظامی به میزان ۱۶۷ درصد رشد کرده و تا کنون ۱۰۰ هزار نفر کشته و ۴۰۰ هزار نفر نیز معلول شده‌اند. این بحران ۱۰۳ میلیارد دلار معادل ۱۷۴ درصد تولید ناخالص داخلی به اقتصاد سوریه ضربه زده است.

۶- سایت مشرق نوشت از ۱۷۶ مدیران دولتی انتصاب شده توسط دولت یازدهم در استان‌ها ۵۱ نفر اصول‌گرا، ۷۳ نفر اصلاح طلب و ۳۲ نفر از مستقلین هستند (از مستقلین ۲۰ نفر از حزب اعتدال توسعه می‌باشند).

۷- امسال زائران کربلای حسینی (ع) با ۲۵٪ افزایش از ملیت‌های مختلف نسبت به سال گذشته بالغ بر ۲۰ میلیون و ۷۰۰ نفر شد. به طوری که از جمهوری اسلامی ۸۰۰ هزار، پاکستان، افغانستان و هند ۳۷۶ هزار، کشورهای جنوب خلیج فارس ۲۵۰ هزار، مغرب عربی، ترکیه، لبنان، آذربایجان و تاجیکستان ۳۱۰ هزار، کشورهای جنوب شرق آسیا، استرالیا، کانادا و آمریکا ۳۰۰ هزار و کشورهای اسکانیناوی ۱۳۰ هزار نفر در این مراسم پرشور و حماسه جهانی حسین (ع) حضور داشتند. اضافه می‌نماید در دهه دوم صفر (منتهی به اربعین حسین (ع) عراقی‌ها حدوداً با ۶۰۰ میلیون غذا از خیل عظیم زائران پذیرائی نمودند.

۸- اصلاح طلبان برای پیروزی در یازدهمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی به دنبال وحدت با جریان دولتی اعتدال هستند. از طرفی اخبار حال حاضر حاکی از تصمیم دولتی‌ها بر اعلام لیست مستقل انتخاباتی مزبور می‌باشد.

۹- در جلسه سران جریان حامیان احمدی نژاد با اختصاص بودجه مناسب، راه اندازی ۳۰ سایت جدید را مصوب کرده‌اند.

۱- حدوداً ۲۱ میلیون خانوار ایرانی در سال ۱۳۹۱، ۱۳/۸ هزار میلیارد تومان (معادل ۱۲ درصد تولید ناخالص را و دو برابر، ارزش پنج روز کاری خود در سال) هزینه تفریحاتشان شده است. با ۴۱ درصد افزایش نسبت به سال ۹۰ که برابری با نرخ تورم این سال دارد و تولید ناخالص داخلی تقریباً ۶۸۰ هزار میلیارد تومان در ۲۳۵ روز کاری سال ۹۱ که (روزانه ۲/۸ هزار میلیارد تومان) بوده است.

ضمناً آمار بانک مرکزی نشان می‌دهد هزینه تفریحات دهک دهم نسبت به دهک اول در سال ۱۳۸۰ معادل ۲۸ برابر و در سال ۱۳۹۰ تقریباً ۳۵/۴ برابر برآورد شده است.

۲- معاون سازمان محیط زیست از ضرر ۸ میلیارد دلار در هر سال به ایران بابت آلودگی هوا خبر داده وی همچنین مصرف انرژی کشور ۵۰۰ کیلووات ساعت بر متر مربع را با متوسط جهانی این مصرف که ۳۰ کیلووات ساعت بر متر مربع هست مقایسه کرد.

۳- سازمان ثبت احوال آمار وقایع قضایی ۹ ماهه سال ۹۲ را چنین اعلام کرد: حدوداً ۵۸۰ هزار واقع ازدواج که نسبت به مدت مشابه ۹ درصد کاهش داشته است و آمار طلاق در این مدت ۱۰۸ هزار که حدوداً ۴ درصد نسبت به مدت مشابه افزایش نشان می‌دهد. در این مدت ۱۹۳۸۰۰۰ ولادت با ۲/۵ درصد افزایش نسبت به مدت مشابه و ۲۷۳۶۰۰۰ واقع فوت با ۳/۲ درصد نسبت به مدت مشابه می‌باشد.

۴- وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی در گزارش صد روزه خود درآمد کشور را در هشت سال ۸۴ الی پایان ۹۱ به میزان ۹۸۰ میلیارد دلار که ۶۳۰ میلیارد آن از صادرات نفت و مابقی از محل درآمدهای مالیاتی، گمرکی، فروش شرکت‌های دولتی و اوراق مشارکت بوده است اظهار نمود. ضمناً آمار اشتغال این ۸ ساله را ۶۵۰ هزار نفر (متوسط سالانه ۸۱ هزار نفر) اعلام کرد.

۵- مرکز تحقیقات وابسته به سازمان ملل در مورد سوریه گزارش داد که در نیمه سال ۲۰۱۳ میلادی ۱۸ درصد از جمعیت سوریه کاسته شده و ۱/۵ میلیون نفر از

۱۰- اصلاح طلبان به دنبال تحرکات خود در تدارک اسناد و مدارکی در زمینه‌های اقتصادی، امنیتی و اخلاقی بر علیه جریان اصول‌گرایان هستند تا مانع به قدرت رسیدن دوباره آنان در فضای سیاسی کشور شوند.

۱۱- از کمیسیون عمران مجلس شورای اسلامی خبر می‌رسد که بودجه زیر ساخت‌های حمل و نقل در سال ۹۱ حدوداً ۴۶۰۰ میلیارد تومان که در سال ۹۲ به مبلغ ۴۲۰۰ میلیارد تومان کاهش یافت. و در سال جاری تا کنون کمتر از ۱۵ درصد آن (۶۳۰ میلیارد تومان) تخصیص یافته است. اگرچه بررسی کارشناسی نیاز و حجم پروژه‌های این حوزه (۳۰۰ طرح) را در امسال بالغ به ۱۳۰۰۰ میلیارد تومان برآورد کرده‌اند.

مطبوعات

آرمان امروز

۹۲/۱۰/۴

در حال حاضر ایران یک کشور قدرتمند در منطقه به شمار می‌آید و تمام تلاش‌های کشورهای فرامنطقه‌ای بر این است که ایران در هیچ جای دنیا به رسمیت شناخته نشود. ایران محور مقاومت است و کشورهای دیگر نقش محور جبهه سازش را دارند، لذا به شکل طبیعی تقابل با ایران را در لغتنامه خود تعریف کرده‌اند. موضع ایران در سوریه و در مورد دولت بشار اسد این است که می‌شود بدون خشونت، ترور و تنش - مخالفت‌های به وجود آمده که آثار زیان‌باری نیز بر جای گذاشته است - را از بین برد و اعتقاد دارد که اگر با تنش به این مساله ورود پیدا کنند نه تنها این مشکل حل نمی‌شود بلکه وضع کشور سوریه بخصوص دولت بشار اسد از قبل نیز بدتر خواهد شد. به گمان بسیاری از کارشناسان، ایران باید در نشست ژنو ۲ که برای حل بحران سوریه تشکیل می‌شود، حضور یابد.

تهران امروز

۹۲/۱۰/۲۲

مدیر عامل سازمان بیمه سلامت با تاکید بر این که هم اکنون ۱۶۶ درصد از جمعیت کل کشور از خدمات بیمه‌ای محرومند، تصریح کرد: به عبارتی ۱۰ تا ۱۳ میلیون از جمعیت کشور که بیشتر زاغه‌نشینان و حاشینه‌نشینان هستند، از دریافت خدمات درمانی در سطوح یک و دو محروم هستند. بندی با تاکید بر این که در سازمان بیمه سلامت بنا داریم تا عدالت را در بیمه پایه برقرار کنیم گفت: در این مسیر قصد داریم همه آحاد جامعه را زیر چتر تعهدات بیمه‌ای واحد قرار دهیم که متولی آن هم سازمان بیمه سلامت خواهد بود.

جمهوری اسلامی

۹۲/۱۰/۲۲

از سال ۸۰ تا نیمه آذر ۹۲ بیش از ۱۵۱ هزار میلیارد تومان سهام دولتی، خصوصی شد که سهم افراد حقیقی و حقوقی خصوصی از این واگذاری‌ها ۲۴ درصد، نهادهای عمومی غیر دولتی ۲۵/۲ درصد، پیمانکاران، مشاوران و بانک‌ها ۲۱/۵ درصد و سهام

و مؤمنان کسانی هستند که اگر در زمین آنها را به قدرت برسانیم، نماز را بر پای داشته و زکات می‌پردازند و امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند و پایان کار از آن فداست.
(آیه ۴۱ سوره حج)

عدالت ۲۹/۲ درصد شد. به گزارش تسنیم طی ۱۳ سال گذشته تا نیمه آذر ماه سال جاری بیش از ۱۵۱ هزار و ۷۸۹ میلیارد تومان سهام شرکت‌های دولتی واگذار شده است که از این میزان، سهم افراد حقیقی و حقوقی خصوصی ۳۶ هزار و ۳۴۸ میلیارد تومان شده که حدود ۲۴ درصد را شامل می‌شود.

این در حالی است که طی این مدت حدود ۷۱ هزار میلیارد تومان از سهام دولت بابت رد دیون دولتی واگذار شده که ۳۲ هزار و ۷۱۴ میلیارد تومان آن یعنی ۲۱.۵ درصد را پیمانکاران، مشاوران و بانک‌ها خریدند و بیش از ۳۸ هزار و ۲۹۴ میلیارد تومان یعنی ۲۵.۲ درصد هم سهم نهادهای عمومی غیردولتی شد.

۹۲/۹/۳۰

شیخ عبدالعزیز آل‌الشیخ مفتی اعظم عربستان، برخلاف مشی گذشته خود به این نتیجه رسیده است که عملیات انتحاری و کشتن دیگران، یک جنایت است و موجب رفتن به جهنم می‌شود. پایگاه خبری روزنامه «الخبرالجوف» سعودی گزارش داد آل‌الشیخ مفتی کل سعودی در دانشگاه ترکی بن عبدالله ریاض در پاسخ به پرسشی با این مضمون که حکم اقدام برخی جوانان مسلمان در منفجر کردن خود با بمب یا کمر بند انفجاری با ادعای شهادت در راه خدا چیست؟ گفت: «کشتن دیگران گناهی از گناهان کبیره است و کسانی که خود را با این بمب‌ها می‌کشتند افراد جنایتکاری هستند که برای رفتن به جهنم عجله می‌کنند خود را می‌کشند و انسان‌های دیگر را هم نابود می‌کنند.» در این سرمقاله مهار افراط‌گرایان سفلی و تکفیری در بازگشت به کشورهایشان به ویژه عربستان فتوای صادره را مورد تجزیه و تحلیل قرار داده است.

۹۲/۹/۳۰

قرن‌ها پس از مبارزه اسلام علیه برده‌داری و به پایان رسیدن دوران برده‌داری، اکنون بعضی از مفتی‌های سلفی به این نتیجه رسیده‌اند که می‌توان دختران بی‌بضاعت را به کنیزی گرفت! شیخ یاسر عجلونی مفتی سلفی اردنی فتوا داده که دختران سوری می‌توانند به عنوان کنیز و برده به عقد مردانی که خواهان این امر هستند درآیند. این شیخ سلفی فتوای خود را اینگونه توجیه می‌کند که دختران سوری کسی را ندارند که مخارجشان را تأمین کند و از آنها حمایت نماید بنابراین این می‌تواند به عنوان کنیز به عقد مردان درآیند. وی شرط به کنیزی درآمدن را کثرت دختران و

کمی مردان می‌داند که به تعبیر خودش در جنگ‌های آخرالزمان اتفاق می‌افتد و ادامه می‌دهد ما به آخرالزمان رسیده‌ایم.

دنیای اقتصاد

۹۲/۱۰/۸

چند شرکت برتر جهان در سال ۲۰۱۳

شرکت مشاوره بازرگانی ارنست اند یانگ فهرستی از صد شرکت برتر جهان در سال ۲۰۱۳ را منتشر کرده که در صدر آن، شرکت آمریکایی اپل قرار گرفته است. ارزش اپل نزدیک به ۸۹۰ میلیارد دلار تخمین زده می‌شود. مقام دوم را شرکت آمریکایی اکسون با ارزش ۴۳۴ میلیارد و ۴۰۰ میلیون دلار به خود اختصاص داده است. به گزارش دویچه‌وله، در فهرست «برترهای جهان» نام ۴۷ شرکت آمریکایی، ۱۱ شرکت بریتانیایی و ۹ شرکت چینی به چشم می‌خورد. آلمان با ۶ شرکت در رده چهارم جا گرفته است. در سال جاری میلادی قیمت این شرکت‌ها در بازار جهانی بورس یک چهارم افزایش یافته است. در میان شرکت‌های آلمانی، فولکس واگن مقام نخست را از آن خود کرده است این شرکت در رده ۵۱ جهانی قرار دارد. ارزش این شرکت خودروسازی در بازار جهانی بورس ۱۲۲ میلیارد دلار ذکر شده است. دیگر شرکت‌های برتر آلمانی به ترتیب عبارتند از: زیمنس (رده ۵۳)، شرکت داروسازی بایر (رده ۵۸)، شرکت اس‌ای‌پی، (رده ۶۳)، شرکت بی‌ای‌اس‌اف، (رده ۷۳) و دایملر (بنز، رده ۸۸).

کیهان

۹۲/۱۰/۴

این واقعیت غیرقابل انکاری است که دشمن را به سختی آزار می‌دهد چرا که دشمن می‌بیند رخنه در بعضی از شخصیت‌ها و طیفی از نخبگان چندان دشوار نیست ولی رخنه در ملت ایران و جدا کردن آن از راهی که نزدیک به ۳۵ سال در آن قرار گرفته بسیار دشوار و در مرز ناممکن قرار دارد از این رو دشمن حتی وقتی احساس می‌کند که در مواجهه با جمهوری اسلامی به یک پیروزی دست پیدا کرده به دوام آن اعتماد ندارد. یکی از اصلی‌ترین جنبه‌های حفظ تحریم‌ها هم همین است. دشمن این تحریم‌ها را علیه ملت و برای به زانو درآوردن آن تصویب و اجرا کرده نه برای آزار دادن این یا آن شخصیت و یا این یا آن گروه نخبه سیاسی. لذا دلیلی

نمی بینند که وقتی از سخنان کسانی بوی کوتاه آمدن به مشامشان می رسد، تحریم و فشار را بردارند.

۹۲/۱۰/۷

گفتنی است که کیهان نسبت به آقای خاتمی کمترین خصومت شخصی ندارد و ایشان خود شاهد بوده است که در دوران دولت اصلاحات و در حالی که دوستان وی علیه برخی از اقدامات پسندیده او - نظیر خودداری از حضور در ضیافت رئیس‌جمهور فرانسه که در آن شراب سرو می‌شد - موضع می‌گرفتند، کیهان تمام قد به دفاع از ایشان برمی‌خاست. اما، در ماجرای یاد شده، پای حرمت رسول خدا(ص)، حضرت اباعبدالله الحسین(ع)، نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران و خون پاک شهداء در میان است و ترفندی که به آن اشاره شد یعنی ملاقات احتمالی وی با مراجع عظام تقلید، در صورت انجام - که بسیار بعید است - می‌تواند حریم مراجع بزرگوار تقلید را با این شائبه که آنان نستجیربالله نسبت به ساحت مقدس رسول خدا(ص) و حضرت اباعبدالله الحسین(ع) بی‌اعتناء هستند، خدشه‌دار کند.

شرق

۹۲/۱۰/۱

در یادداشت روزنامه شرق با اشاره به تصویب طرح رئیس‌جمهور در سازمان ملل برای جهانی‌سازی از خشونت و راهکارهای اجرا شدن آن می‌خوانید تا زمانی که رسانه‌های مکتوب، تصویری و شنیداری کشور مسئولان سازمان‌های نظارتی و سایر قوای کشور و مسئولان ارشد از بیان عبارات و کلمات و تحلیل‌ها و تفسیرهایی که موجب ترویج بدبینی و خدشه‌دار شدن وحدت ملی می‌شود پرهیز نکنند و به جای آن از واژگان فاخر و آکنده از مهر و محبت و صمیمیت و صداقت بهره جویند و در رفتار خود با مردم بر اساس عقلانیت، قانون و حقوق مسلم شهروندی گام بردارند، دستیابی به جامعه متعالی و عاری از خشونت ممکن نیست و طبیعتاً چنین درخواستی هر چند زیبا و عقلانی در عرصه بین‌المللی قرین موفقیت نخواهد بود. طبیعتاً دومین گام در عملی شدن پیشنهاد رئیس‌جمهور دور شدن جهان اسلام از فرقه‌گرایی، طایفه‌گرایی و خشونت است.

پایگاه‌های خبری

ایسنا

۹۲/۱۰/۱۶

مجلس موسسان قانون اساسی تونس دین اسلام را به عنوان منبع اصلی قوانین کشور نپذیرفت.

مجلس موسسان قانون اساسی تونس دین اسلام را به عنوان مذهب این کشور تعیین کرد و ضمن آن وعده برقراری آزادی عقیده در این کشور را داد.

این در شرایطی است که یکی از نمایندگان این مجلس هشدار داد چنین وعده‌ای باعث می‌شود افرادی نظیر شیطان‌پرستان و بت پرستان اعمال خود را در سطح عمومی انجام دهند. در مقابل یک گروه حقوق بشری نیز این بند را بسیار مبهم خواند.

در نشست روز شنبه مجلس موسسان قانون اساسی تونس از مجموع ۱۴۶ بند قانون اساسی ۱۲ بند تصویب شد.

این در شرایطی است که همچنان نگرانی در خصوص این که تصویب قانون اساسی تونس به دلیل جنجال‌ها و سرعت کند رایزنی‌ها از ضرب الاجل ۱۴ ژانویه بیشتر طول بکشد وجود دارد. دو بند نخست که روز شنبه تصویب شدند کشور تونس را به عنوان یک جمهوری مدنی بر اساس حاکمیت قانون و با پذیرش اسلام به عنوان دین آن مطرح کرده‌اند که هیچ کدام از آنها قابل اصلاح نیستند. این مجلس دو اصلاحیه را که یکی دین اسلام و دیگری قرآن و سنت را به عنوان منبع اصلی قوانین تونس مطرح کرده‌اند رد کرد. نشست روز شنبه مجلس موسسان قانون اساسی تونس نشستی پر جنجال و پربرخورد بود که در یک مقطع به حال تعلیق درآمد. محمد بارودی نماینده ائتلاف سکولار دموکراتیک اظهار کرد اصلاحیه‌های پیشنهاد شده برای بندهای مورد اشاره بر خلاف مدرنیته است.

یکی دیگر از بندهای مهمی که تصویب شد بند ۶ بود که مشخص می‌کرد دولت تونس نگهبان مذهب و حافظ مقدسات و همچنین حافظ آزادی عقاید است. این بند همچنین مساجد و دیگر مکان‌های مذهبی را از انجام فعالیت سیاسی منع کرده است. نماینده حزب وفا نیز با اعتراض به این بند گفت که این موجب خواهد شد شیطان پرستان و بت پرستان اعتقادات خود را به صورت عمومی ترویج کنند و اعمال خود را نیز انجام دهند.

با این وجود گروه اتحادیه حقوق بشر تونس ناراضیتی خود را از بند شماره ۶ اعلام کرد و گفت این که این بند دولت را به عنوان حافظ مذهب و نگهبان مقدسات

عنوان کرده یک بند مبهم است و می‌تواند دستخوش تفسیر شده و آزادی‌ها را تهدید کند.

جهان نیوز

(۹۲/۱۰/۱۷)

به گزارش رسا، ترکی بن بندر بن محمد بن عبدالرحمن آل سعود، نوه پادشاه عربستان که از معارضان نظام آل سعود و ساکن پاریس است در جلسه هفتگی که با حضور جمعی از فرهنگیان، اندیشمندان، سیاستمداران و روزنامه نگاران برگزار شد اعتقادات وهابیت درباره تشیع را باطل خواند و به افشاگری علیه نظام آل سعود پرداخت.

وی با بیان برتری تشیع بر وهابیت گفت: شیعیان با زیارت حسین (ع) به خدا تقرب می‌جویند در حالی که سلفی‌ها با قتل شیعیان به شیطان نزدیک می‌شوند، گرچه آنان اعتقاد دارند که در حال تقرب به خدا هستند.

ترکی بن بندر افزود: شیعیان مرتکب گناهی نمی‌شوند، ولی سلفی‌گرایان با قتل نفس که از گناه‌های کبیره است و اسلام به شدت نسبت به آن نهی می‌کند، مرتکب گناه می‌شوند. سلفی‌ها به هیچ وجه حق قتل پیروان اهل بیت (ع) را ندارند زیرا با آنان تنها در اندیشه اختلاف نظر دارند.

عضو سابق وزارت کشور عربستان با اشاره به اینکه به دلیل انتقاد از پادشاه این کشور از سوی علمای درباری به کفر متهم شده است، تصریح کرد: در گذشته می‌شنیدم که شیعیان به دلیل رد خلافت ابی بکر، عمر و عثمان، کافر هستند در حالی که امروزه برای بنده ثابت شده است هر که با حاکم سیاسی مخالفت کند از سوی علمای درباری به کفر متهم می‌شود.

وی ادامه داد: ابی بکر، عمر و عثمان حاکمان سیاسی بودند و هر فردی حق دارد مخالفت خود را با آنان اعلام کند زیرا این اوج دموکراسی است. اطلاق کلمه رافضه علیه شیعیان نیز به دلیل همین مخالفت بوده است اما به نظر نمی‌رسد که شیعیان مرتکب اشتباهی شده باشند.

ترکی بن بندر آل سعود با اشاره به وجود بخش ویژه‌ای به نام «روافض» در وزارت اطلاعات عربستان، اظهار داشت: این شعبه که بودجه آن برابر با بودجه کل تونس،

اردن و یمن است وظیفه مخدوش ساختن مذهب تشیع را با استفاده از انتشار کتاب‌های سرشار از کذب در موسم حج و حتی دعوت به قتل شیعیان را دارد.

عضو سابق وزارت اطلاعات عربستان افزود: در آن زمان که عضو وزارت اطلاعات بودم این وزارت به یک روحانی شیعه لبنانی که مزدور آل سعود بود مبلغ ۷ میلیون دلار پرداخت کرد و در قبال آن از وی خواست که شبکه ماهواره‌ای و روزنامه افتتاح کند و طی آن به اعتقادات شیعیان توهین کرده، عزاداری حسینی را بدعت بخواند، عمر بن خطاب را از شهادت فاطمه زهرا (س) مبرا سازد، آیه «لا تقربوا الصلاة و انتم سکاری» را در حق علی بن ابی طالب (ع) جلوه دهد و «شاهد ان علیا ولی الله» را از اذان حذف کند.

وی تأکید کرد: پس از مرگ آن روحانی نیز مزدوران جدیدی این راه را ادامه دادند و هم اکنون نیز شاهد اختصاص میلیون‌ها دلار برای مخدوش ساختن نام تشیع در عراق هستیم، ولی همه این تلاش‌ها بیهوده است و تنها افراد نادان از این برنامه‌ها حمایت می‌کنند.

ترکی بن بندر در پایان گفت: بنده در آینده‌ای نزدیک تابعیت فرانسه را دریافت می‌کنم و در انتخابات پارلمانی نامزد خواهم شد، زیرا عربستان کشوری عقب افتاده است که از سوی بانندی اداره می‌شود که حاکمان آن به صورت ۲۴ ساعته به جز در زمان نماز مشغول شرب خمر هستند، اموال ملت را به سرقت می‌برند و این اموال را به زنان رقااص و مردان قاتل اهدا می‌کنند.